

تقديم به

اول شهيد

مدافع ولايت

حضرت فاطمه

سلام الله عليها و

حضرت ولي عصر

روحي وارواح

العالمين له

الفداء

فهرست مطالب

فصل اول مفهوم شناسی

.....
..... ۱.....

مقدمه

.....
.....
..... ۲.....

بررسی عناوین

..... موضوع.....
.....
..... ۳.....

..... پلوراليسم.....
.....
..... ۳.....

نعمت ۱... ولی

.....
.....
..... ۳.....

پیشینه

..... تحقیق.....
.....
..... ۵.....

ضرورت و اهمیت

..... بحث.....
.....
..... ۷.....

.....هداف.....
.....
.....۷.....

فصل دوم پلورالیسم

.....
.....
.....۹.....

.....مقدمه.....
.....
.....۱۰.....

.....انواع و مصادیق پلورالیسم.....
.....۱۱.....

.....بهره مندی یکسان ادیان از حق و باطل.....
.....۱۱.....

.....ادیان همگی راه هایی به سوی حق هستند.....
.....۱۱.....

.....پلورالیسم دینی بر پایه ی پوزیتیویسم.....
.....۱۲.....

.....پلورالیسم و نظریه ی دین به منزله ی پاسخ انسان به حقیقت غایی.....
.....۱۲.....

.....پلورالیسم به معنای مدارا با حفظ ادعای حقانیت خود.....
.....۱۲.....

.....پلورالیسم طولی . پلورالیسم عرضی.....
.....۱۴.....

دین..... ۲۴

حجیت مطلق و منحصر به فرد، در هیچ دینی وجود

ندارد..... ۲۴

پیام های همه ی ادیان معنای واحدی

دارد..... ۲۵

محور بودن ایمان گرایی به جای شریعت

مدار..... ۲۵

همه ی ادیان بدون هیچ تفاوتی بر

حَقَّقند..... ۲۶

✓ نتیجه

گیری.....

.....

..... ۲۷

فصل سوم

.....

.....

..... ۲۸

..... مقدمه

.....

..... ۲۹

انقطاع سلاسل صوفیه

.....

.....

..... ۳۰

بررسی مشایخ سلاسل

صوفیه.....

..... ۳۳

معروف کرخی

کیست.....

.....

..... ۳۳

○ اشکالات

..... اساسی

.....

.....

..... ۳۴

تکثر گرای و حفظ حرمت خلفای سه

گانه ۶۱.....

تکثرگرایی و پلورالیسم در اندیشه قائلین به

تصویب..... ۶۵.....

تکثر گرای با جمع بین غاصبین و غیر

غاصبین..... ۶۶.....

تکثر گرایی باولی واصل به حق دانستن خود

..... ۶۸.....

تکثر گرای با تعریف خاص از تشیع و تسنن

..... ۶۹.....

تکثر گرایی باتفکیک بین علم استنباطی و لدنی

..... ۶۹.....

تکثر گرایی با جمع بین اضداد و اجتماع

نقیضین..... ۷۱.....

جمع بندی و نتیجه گیری فصل

چهارم..... ۷۴.....

نتیجه گیری

کلی..... ۷۵.....

.....

.....

..... ۷۵.....

مقدمه

شایسته است در ابتدای بحث واژه‌های مهمی که در عنوان این تحقیق آورده شده مورد بررسی قرار گیرد. واژه‌هایی همچون پلورالیسم و نعمت ا... ولی که گفتار اول این فصل عهده‌دار بیان این مطلب می‌باشد.

در گفتار دوم، سابقه پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش دو کتاب مرتبط با این تحقیق مورد نقد قرار گرفته است. همچنین امتیاز نوشته حاضر نسبت به منابع مذکور مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

در گفتار پایانی این فصل به ضرورت و اهمیت عنوان مورد نظر پرداخته شده و این نکته بیان می‌شود که چرا باید در مورد اندیشه نعمت ا... ولی تحقیق کرد و اندیشه پلورالیستی او را مورد نقد قرار داد.

بررسی عناوین موضوع

برای ورود به بحث پلورالیسم در اندیشه نعمت ... ولی باید ابتدا واژگان و مفاهیم اساسی آن تحلیل و بررسی شود. از این رو در این گفتار سعی خواهد شد توضیحی مختصر درباره مفاهیم اصلی این تحقیق بیان شود.

پلورالیسم

واژه پلورالیسم در فارسی به تکرر گرایي ترجمه شده است، این واژه از لحاظ مفهومی دارای تعاریف متفاوت، بعضاً متناقض هم می باشد. بهره مندی یکسان ادیان از حق و باطل، ادیان همگی راه هایی به سوی حق هستند، پلورالیسم دینی بر پایه ی پوزیتویسم^۱، پلورالیسم به معنای مدارا با حفظ ادعای حقانیت خود و... از این تعاریف به شمار می روند .

بعضی از این عناوین مثل مدارا با حفظ حقانیت خود یا پلورالیزم طولی مورد قبول علمای شیعه با توجه به منابع کلامی تشیع می باشد و بعضی مثل بهرمندی یکسان از حق و باطل و پلورالیزم به معنای پوزیتویسم مورد قبول علمای شیعه نیست که در فصل دوم به تعریف و توضیح آن ها به صورت مفصل پرداخته خواهد شد.

نعمت ... ولی

نور الدین نعمت ... فرزند عبدا... در سال ۷۳۱ قمری در شهر حلب متولد شد. وی مؤسس فرقه نعمت ...ی و احیاگر تصوف در ایران بود. نعمت ... در سال ۷۵۵ در سن ۲۴ سالگی برای برگزار کردن حج به مکه رفت و از آنجا به مصر و در مصر مرید عبد ... یافعی (وفات ۷۶۸) شد. او هفت سال شاگردی یافعی را کرد و از خلفای وی به شمار آمد.

یافعی از سران فرقه معروفیه است که خودشان را به معروف کرخی می رسانند و نعمت ...یه دنباله معروفیه است. نعمت ... ولی، در سال ۷۶۲ ق که

^۱ مفهوم پوزیتویسم :

باید توجه داشت که یک تداخل مهم و اساسی بین پوزیتویسم و مدرنیسم وجود دارد؛ مدرنیسم به عنوان ایدئولوژی پوزیتویسم تلقی می شود و پوزیتویسم را می توان به عنوان متدلوژی مدرنیسم تلقی نمود و نیز می توان بدنه اصلی علوم معاصر علی الخصوص نظریات جدید علوم اجتماعی و سیاسی را پوزیتویسم دانست و پوزیتویسم در واقع شورشی بود بر علیه فلسفه و متافیزیک و بر علیه گرایشهای دینی و احکام اخلاقی و مذهبی. از دیدگاه پوزیتویسم مذهب جزء تاریخ ذهن انسان است و خارجیتی ندارد، خداوند مفهومی است که جزء تاریخ ذهن انسان قرار می گیرد. از مهمترین ابزاز پوزیتویسم در حمله به دین، تشکیک در معناداری گزاره های دینی است که توضیح آن در این مختصر نمی گنجد. پس می توان نظریات جدیدی را که در قرن ۲۰ مطرح شده اند، از نظر معرفت شناسی و متدلوژی تحت عنوان پوزیتویسم و از لحاظ محتوی تحت عنوان مدرنیسم بررسی نمود.

مصادف با سال دوم سلطنت تیموری بود، به ایران آمد. وی بیش از صد سال عمر کرد و در سال ۸۳۴ قمری فوت نمود.^۲

لازم به ذکر است به دلیل اختصار مبحث بررسی عناوین موضوع، فقط به ذکر مختصری از زندگی نامه نعمت ا... ولی اکتفا نموده و اشکالاتی از قبیل انقطاع در سلاسل صوفیه و سنی بودن نعمت ا... ولی و شیوخ او و موارد دیگری که موافقین نعمت ا... در مورد وی مطرح می کنند، در فصل های آتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت .

^۲ . تشیع و تصوف، دکتر کامل مصطفی الشیبی، ص ۲۳۲ .

پیشینه تحقیق

در مورد پیشینه ی تحقیق می توان گفت که کتب بسیاری در زمینه پلورالیسم و نعمت ... ولی به صورت مجزا نوشته شده است ولی هیچ کدام به بررسی پیوند دو واژه ی پلورالیسم و نعمت ... ولی نپرداخته و پلورالیسم در اندیشه نعمت ... ولی را مورد بررسی قرار نداده اند. از این کتب به کتب "مسافرت‌های شاه ولی" و "تحقیق در احوال و نقد آثار و افکار شاه نعمت ... ولی" تالیفات دکتر حمید فرزام، می توان اشاره کرد .

اما در این کتب و حتی در مقالات که از اینترنت و غیره مشاهده شد به هیچ عنوان به تفکر پلورالیستی نعمت ... نپرداخته اند و از این لحاظ می توان گفت این نوشتار حاضر اولین تحقیق در این موضوع می باشد.

مطلب دیگری که این نوشتار با آن مواجه شد؛ کم بودن نسخ موجود چاپ شده در مورد نعمت ... یا آثار او می باشد که محقق را وادار به مراجعه به نسخ خطی نمود که تعیین وقت برای ظهور در این بررسی بدست آمد مطلبی که هیچ جای دیگر مشاهده نشد و لذا کپی از نسخه خطی آن در پایان این نوشتار درج خواهد شد.

مطالبی در مورد احادیث رجل قم و توضیح قدریه و اهل بیت و ... که دانستن آن برای بهتر شدن سیر منطقی بحث اهمیت داشت؛ به پاورقی منتقل شد. تا متن تحقیق اختصار لازم را داشته باشد.

کسانی که از شریعت گریزانند طریقت خود خواهی را به جای خدا خواهی گذاشته، نام آن را عرفان می نهند و خدائی را می خوانند که بدون شریعت و با طن گراست یا به شریعتی معتقد است که از طریق ارسال و انزال کتب به دست نیامده است . ضرورت دفاع از مذهب از چنین تفکر منحرفی بر هیچ متشرع آگاه به عقاید صوفیان پوشیده نیست؛ همفر جاسوس انگلیسی می نویسد:

« آنچه وزارت مستعمرات انگلیس به هنگام اعزام به شرق به من توصیه نمود عبارت است از: گسترش همه جانبه مراکز درویش پروری همانند خانقاه ها و تکثیر و انتشار رساله ها و کتابهایی که مردم عوام را به روی گرداندن از دنیا و مافیها، گوشه گیری و مردم گریزی سوق می دهد؛ مانند کتاب احیاء العلوم غزالی، مثنوی مولوی، و کتابهای محی الدین عربی.»^۲

لذا هدف این تحقیق افزایش بصیرت و آگاهی و جلوگیری از گسترش عقاید منحرف می باشد. متأسفانه هم اکنون در بین بعضی از مردم ایران در شهرهایی مانند کرمان، کوهناب، بیدخت، ماهان و ... و بالخصوص بین تمامی فرق تصوف در داخل و خارج ایران از نعمت ... ولی به عنوان عارف پیشگو یاد می شود که این مسئله موجب سوء استفاده مغرضین قرار گرفته است.

این تحقیق به صورت کتابخانه ای و در بعضی از بخش ها میدانی می باشد و از نوع تحلیلی تفسیری به حساب می آید.

^۲ . دستهای ناپیدا، خاطرات مستر همفر؛ نشر گلستان کوثر؛ ص 64 .

ضرورت و اهمیت بحث

پلورالیسم یا تعدد صراط ها یا تکثر گرایی در اصل دین و فهم دین، مطلبی است که با وجود قدیمی بودن مباحث آن در اروپا پس از آنکه چهره ی تازه به خود گرفت، دوباره در بین دانشمندان علوم مختلف ظاهر شد. و بیشترین ترویج آن توسط جان هیک (متولد ۱۹۲۲م) انجام گرفت. مکتبی که در مقابل انحصار طلبی به وجود آمد و قصد دارد حقانیت محض یک دین را زیر سوال برده و به تکثر ادیان و فرهنگ ها بپردازد. .

نعمت ... ولی نیز از موسسان فرقه نعمت ...یه بوده و عقایدی صوفیانه دارد که در بین بعضی از مردم از وی به عنوان عارفی پیشگو یاد می شود. لکن مثل تمام صوفیه خود را در طریقتی پیر طریقت میداند که با نگاه صوفیانه همه را حق دیده، بدون تولی و تبری این را به مرتبه بالای توحید خود نسبت می دهد!

این نوشتار بر آن است تا پاسخگوی این سوال باشد که آیا پلورالیسم در اندیشه نعمت ... ولی راه دارد یا خیر؟

هدف:

در این تحقیق سعی شده است پلورالیسم در مکتب نعمت ... ولی مورد بررسی قرار گیرد.

به همین منظور در فصل اول بعد از مقدمه و بررسی عناوین موضوع که در آن به واژه های پلورالیسم و نعمت ... ولی پرداخته شد و پیشینه تحقیق آورده شده و ضرورت و اهمیت بحث در مورد نعمت ... ولی که در بسیاری از سلسله های تصوف اسمش آمده مورد بررسی قرار گرفته است شده و دلیل اهمیت این تحقیق شمرده می شود و اهداف این تحقیق را مشخص می سازد.

در فصل دوم بعد از مقدمه در گفتار اول به انواع و مصادیق پلورالیسم، که عبارتند از، بهره مندی یکسان ادیان از حق و باطل ، ادیان همگي راه هایی به سوی حق هستند ، پلورالیسم دینی بر پایه ی پوزیتیویسم ، پلورالیسم و نظریه ی دین به منزله ی پاسخ انسان به حقیقت غایی ، پلورالیسم به معنای مدارا با حفظ ادعای حقانیت خود یا پلورالیسم درست و نادرست ، پلورالیسم طولی ، پلورالیسم عرضی و پلورالیسم در اصول و فقه وآراء مجتهدین و پیامدهای پلورالیسم پرداخته می شود. پیامدهای منفی عبارتند از اجتماع نقیضین ، پلورالیسم خویش برانداز ، امتناع ایمان ، حجّیت نداشتن متون دینی ، بی اعتبار شدن عمل به گزاره های دینی و نقش هدایت گرایانه ی دین ، جواز بدعت و تعطیلی شریعت و پیامدهای مثبت هم زیستی مسالمت آمیز پیروان ادیان و گفت وگوی ادیان، نجات اکثریت است.

تفاوت جامعه اسلامی با جامعه پلورالیستی: جوامعی که پلورالیسم دینی را پذیرفته اند، در پی مسایل مشترک هستند، در جامعه پلورالیستی ادعا

های مطرح شده که عبارتند از: وحدت جامع و کامل دین ، حجیت مطلق و منحصر به فرد، در هیچ دینی وجود ندارد، همه ی ادیان معنای واحدی دارد ، محور بودن ایمان گرایی به جای شریعت مداری، همه ی ادیان بدون هیچ تفاوتی بر حقد، بررسی شده تا به تفاوت آن با جامعه اسلامی پی برده شود .

در فصل سوم بعد از مقدمه به انقطاع سلاسل صوفیه و بررسی مشایخ سلاسل صوفیه و اینکه معروف کرخی کیست و اشکالات اساسی که در سلاسل صوفیه وجود دارد پرداخته شده است و به این مطلب اشاره شده که بین گفته ی سران فرق صوفی، با بیان خود نعمت ا... در مورد سلسله مشایخ او تفاوت وجود دارد و لازم به ذکر است سران فعلی تصوف به انقطاع سلسله شان پی برده اند که اسناد آن آورده می شود . بعد از آن سنی بودن نعمت ا... ولی و ادعاهای نعمت ا... ولی و دیگر پیشگوئی های نعمت ا... ولی که در آن بررسی شعر معروف پیش گویی او و برخی دیگر از ادعا های او آورده شده است .

در فصل چهارم که در حقیقت فصل آخر این نوشتار است و در آن پلورالیسم در اندیشه نعمت ا... ولی مورد بررسی قرار می گیرد بعد از مقدمه به پلورالیسم به معنای مقبول علمای شیعه در کلام نعمت ا... ولی پرداخته شده و تكثر گرایی به معنای غیر قابل قبول نزد علمای شیعه در کلام نعمت ا... ولی بررسی شده که در آن به تكثر گرایی با تفیک شیعه و رافضی و ابداء مذ هب جامع، تكثر گرایی با استفاده از الفاظ مشترک و حفظ حرمت خلفای سه گانه همراه با امام علی، تكثر گرایی و پلورالیسم در اندیشه قائلین به تصویب، تكثر گرایی با جمع بین غاصبین و غیر غاصبین، تكثر گرایی با ولی واصل به حق دانستن خود، تكثر گرایی با تعریف خاص از تشیع و تسنن، تكثر گرایی بانفکیک بین علم استنباطی و لدنی، تكثر گرایی با جمع بین اضداد و اجتماع نقیضین پرداخته شده است.

در پایان این فصل پس از جمع بندی و نتیجه گیری فصل چهارم به نتیجه گیری کلی این تحقیق می رسیم که در آن دلایل پلورالیست بودن نعمت ا... ولی و پلورالیستی بودن اندیشه او آورده شده است .

برای شناخت پلورالیسم تحقیقات وسیعی صورت گرفته و هنوز هم به تمام ابعاد آن پرداخته نشده که پرداختن به آن از عهده این تحقیق نیز خارج است به همین علت از تاریخچه بحث و بحثهای مفصل پیرامون پلورالیسم صرف نظر کرده و در این فصل به بررسی معانی و مصادیق مهم پلورالیسم یا همان تگثر گرایی پرداخته، معانی و مصادیق مقبول و غیر قابل قبول نزد علمای شیعه اعلی...مقامهم الشریف مورد بررسی قرار داده می شود. پیامد های این برداشت با توجه به معانی و مصادیق مختلف و گاهی متناقض آن بر شمرده و در پایان نتیجه گیری این فصل انجام خواهد شد.

انواع و مصادیق پلورالیسم

بهره مندی یکسان ادیان از حق و باطل

در این نوع از پلورالیسم، مدعی شده اند که همه ی ادیان از عناصر و معانی حق و باطل به یکسان بهره مند هستند. بنابراین در هر دین و آیینی هم حق وجود دارد و هم باطل. روشن است که این معنای (پلورالیسم دینی) از نظر قرآن و تفکر اسلامی قابل قبول نیست؛ زیرا خداوند در قرآن کریم می فرماید: **إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ بَيْنٍ ذَلِكُمْ سَبِيلًا (۱۵۰)** **أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا (۱۵۱)**

ترجمه: کسانی که می خواهند بین خدا و پیامبرانش جدایی بیندازند و می گویند به برخی ایمان می آوریم و به برخی کافر می شویم، اینان در حقیقت کافرانند.^۴

ادیان همگی راه هایی به سوی حق هستند

در معنای دوم پلورالیسم دینی به این معنی که ادیان همگی و به یکسان راه هایی به سوی حق هستند و از این نظر فرقی با یکدیگر ندارند، نیز ایرادهای تئوریک و تناقضاتی وجود دارد؛ چگونه می توان آیین مسیحیت معتقد به تثلیث را که در قرآن کریم آیه ی **لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ وَ إِنَّمَا يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لِيَمْسَنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۷۳)** ترجمه: آنها که گفتند: «خداوند، یکی از سه خداست» (نیز) بیقین کافر شدند معبودی جز معبود یگانه نیست و اگر از آنچه می گویند دست بر ندارند، عذاب دردناکی به کافران آنها (که روی این عقیده ایستادگی کنند)، خواهد رسید. (۷۳) ° صراحتاً مورد نفي قرار گرفته و حتی معتقدان به آن کافر دانسته شده اند با دین اسلام یکسان و برابر شمرد؟

در حالی که مقصد آیین مسیحیت کنونی شرك آلود است و مقصد اسلام تماماً توحیدی است. به لحاظ احکام نیز تفاوت هایی در حد تناقض میان دو آیین وجود دارد که نمی توان آن ها را مصداق مسیرهایی مختلف به راهی واحد بر شمرد و لذا یکسان دانست؛ مثلاً در آیین بودیسم اساساً وجود خدا

^۴ سوره ی نساء آیه ۱۵۰

^۵ . سوره ی مائده، آیه ی ۷۳

نفي مي گردد، حال چگونه مي توان اسلام و بوديسم را راه هايي به سمت يك مقصد واحد دانست؟

پلوراليسم ديني بر پايه ي پوزيتيويسم

روي کرد ديگر بر پايه ي اين نگرش پوزيتيويستي بنا شده است که «قضايای غير تجربی و غير حسی (يعني قضايای دينی و فلسفی) يا یکسره بی معنی هستند و يا اگر بی معنا نباشند راهی برای تحقيق در صحت و سقم آن ها وجود ندارد، به عبارت ديگر احکام و باورهای دينی متباين و گاه حتی متناقض اديان مختلف، به یکسان غير قابل پذيرش يا غير قابل ابطال است و راهی برای فهم درستی و حقانيت آن ها وجود ندارد، لذا در خصوص همه ي آن ها بايد بر پايه ي شکاکيت و نسبی انگاری قضاوت کرد.»^۱

پلوراليسم و نظریه ی دين به منزله ی پاسخ انسان به حقيقت غایی

با توجه با اين که انسان ها دارای درک و شعور و اطلاعات متفاوت هستند در پاسخ به نیاز فطری خود در مورد حقيقت غایی عالم واکنش های متفاوت نشان داده و تکثر در فهم آن حقيقت غایی دارند، که اين تکثر فهم، در یک بودایی با یک مسیحی و یک مسلمان متفاوت است، بعضی مثل جان هیک، تکثر در فهم دين را حق دانسته اند، اما اين مطلب با توجه به اينکه علمای معرفت شناسی شيعه قائل به تطبيق علم با معلوم هستند، حقيقت نداشتن گزاره های حقه دين مطلبی باطل و چنين جمعی جمع بين متناقضين حق و باطل است که عقلا آن را باطل می دانند، البته بعضی از علما در مبحث تشکیک وجود قائل به وجود مراتب و درجات برای وجود شده اند اما اين نیز به اين معنا نيست که مراتب با هم مخالف يا متضاد يا در عرض هم هستند يا مراتب فهم، متناقض است و همه حقتند يا حقی وجود ندارد بلکه علما به کثرت طولی اعتراف کرده اند.

پلوراليسم به معنای مدارا با حفظ ادعای حقانيت خود

از نظر فقه شيعه، حکم اهل کتاب، موقتی بوده و تا زمان ظهور حضرت مهدي (عجل ا... تعالی فرجه الشریف) ادامه دارد، با ظهور آن حضرت، اين حکم نسخ خواهد شد. به جهت مصالح اهم و مهم، حکم نسخ شده به مردم اعلام نگردیده، زیرا در شرايطی که جهان اسلام با کفر مطلق و الحاد و کسانی که هيچ وجه اشتراکی با اسلام در توحيد، نبوت و

^۱ واژه نامه ي فرهنگي سياسی؛ زرشناس، شهريار؛ کتاب صبح، ۱۳۸۳، چاپ اول، صص ۸۷ - ۹۰.

معاد ندارند، رو به رو است؛ اگر اهل کتاب پذیرفتند^۷ که مقدسات اسلامی را در جامعه رعایت کنند و جزیه بپردازند، با آنان مدارا می‌شود.

البته آنان در میان خود، تا جایی که ارتباط با مسائل اجتماعی همگانی نداشته باشد، می‌توانند احکام دینی خود را اجرا کنند. این موضوع، یک حکم ارفاقی برای کسانی است که به اسلام نزدیک هستند و توحید و نبوت را قبول دارند یا مثل مسیحیان، که همه انبیاء، به جز پیامبر اسلام صلی... علیه و آله را قبول دارند. ما احکام دینی مشترک، فراوان داریم. در قرآن آیاتی آمده است که مانند آن در تورات و انجیل نیز وجود دارد مانند آیه شریفه: «انَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ.» ترجمه: جان در مقابل جان، و چشم در مقابل چشم، و بینی در برابر بینی، و گوش در مقابل گوش، و دندان در برابر دندان می‌باشد و هر زخمی، قصاص دارد و اگر کسی آن را ببخشد (و از قصاص، صرف نظر کند)، کفاره (گناهان) او محسوب می‌شود و هر کس به احکامی که خدا نازل کرده حکم نکند، ستمگر است.^۸

اسلام در عصر غیبت، اجازه داده است که با آنان مدارا شود، البته این مدارا، بدان معنا نیست که آنها نیز مثل اسلام‌اند و هر کسی خواست مسلمان یا مسیحی و یا یهودی شود، بلکه آنان باید مسلمان شوند ولی در عمل، با آنان مدارا شده است. براین اساس، معنای پلورالیزم، همان است که در عمل با سایر ادیان و مذاهب مدارا کنیم و برای مسلمان شدن، به جنگ با آنان برنخیزیم. بلکه بگوییم: دین مسیحیت نیز دین حقی بوده است ولی در آن انحراف بوجود آمده است. این مفهوم از پلورالیزم، در اسلام مورد قبول و اسلام آن را وضع کرده است و پذیرفتن اهل کتاب و به رسمیت شناختن اقلیت‌های دینی در جمهوری اسلامی ایران بر این اساس است. در این راستا، از مظاهر بسیار زیبای حکومت شیعی جمهوری اسلامی ایران، رفتار با مذاهب اسلامی است. اقلیت اهل تسنن در کشور ما محترم‌اند و جان و مال آنان، مانند شیعیان، محفوظ است. پس این مفهوم از پلورالیزم در اسلام مطلوب است.

اما مفهوم نادرست پلورالیزم آن است که گفته شود: «اسلام با مسیحیت تفاوتی ندارد و هر دو، حق‌اند! آنکه گوید: خدا یکی است و دیگری که معتقد به تثلیث است، هر دو حق است! هر دو صراط مستقیم است! شیعه می‌گوید: پس از پیامبر اکرم صلی... علیه و آله و سلم، حاکم باید از سوی خداوند تعیین شود، ولی دیگری می‌گوید: اهل حل و عقد،

^۷ بصیرت پرچمداران؛ جمعی از نویسندگان؛ مجموعه آثار پژوهشکده تحقیقات اسلامی؛ ص: ۷۰.
^۸ . مائده ۴۵

در سقیفه جمع شدند و شخص دیگری را انتخاب کردند. هر دو حق است! شما حق ندارید ادعا کنید که: این قرائت من از اسلام، صحیح‌تر از آن قرائت است! این يك قرائت و آن نیز قرائت دیگری است!»^۹

این مفهوم از پلورالیزم نادرست است، زیرا جمع بین متناقضین می‌باشد. قرآن می‌فرماید: کسانی که گفتند خدا فرزند دارد، چنان حرف عظیمی بر زبان راندند که جا دارد آسمان‌ها از یکدیگر بپاشند:

«وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا. لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا. تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَ تَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا. أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا. وَ مَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا.»
ترجمه: و گفتند: «خداوند رحمان فرزندی برای خود برگزیده است». راستی مطلب زشت و زننده‌ای گفتید! نزدیک است به خاطر این سخن آسمانها از هم متلاشی گردد، و زمین شکافته شود، و کوه‌ها بشدت فرو ریزد. از این رو که برای خداوند رحمان فرزندی قائل شدند! در حالی که هرگز برای خداوند رحمان سزاوار نیست که فرزندی برگزیند!^{۱۰}

مسیحیت نیز قایل به تثلیث: پدر، پسر و روح القدس است. در دیدگاه پلورالیزم، هر دو دین درست است و هیچ يك بر دیگری امتیاز و برتری ندارد! هر دو دین، انسان را به حق می‌رساند! در صورتی که دین اسلام فریاد می‌زند که: ... وَ لَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً انْتَهُوَ خَيْرًا لَكُمْ ترجمه: و نگوئید: «(خداوند) سه‌گانه است!» (از این سخن) خودداری کنید که برای شما بهتر است!^{۱۱}

مسیحیت، اعتقاد به تثلیث را از اصول خود می‌داند و انسان بدون اعتقاد به آن، مسیحی نمی‌شود. در این میان، پلورالیزم می‌گوید: هر دو دین درست است. در حقیقت، پلورالیزم هیچ يك از این دو دین را قبول ندارد و آن را بیش از يك سلیقه شخصی نمی‌داند. در قلب آنان، اثری از اعتقاد به خدا و پیامبر وجود ندارد. اگر چه جرأت ابراز آن را ندارند.

بنابراین، وقتی پلورالیزم حتی با ملاحظه نقاط اختلاف و تناقض بین دو دین، هر دو را حق می‌داند، در واقع هیچ يك از آن دو را حق نمی‌داند، زیرا دین حق، جز یکی بیش نیست: «فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ.» ترجمه: بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟! پس چرا (از پرستش او) روی گردان می‌شوید؟!^{۱۲}

پلورالیزم طولی . پلورالیزم عرضی

۹ . بصیرت پرچمداران؛ همان ص: ۷۱.

۱۰ . مریم ۸۸ تا ۹۲

۱۱ . نساء ۱۷۱.

۱۲ . یونس ۳۲.

، گاهی پاسخ این پرسش که از میان این همه ادیان که همه ادعا می کنند تنها نجات بخش بشر هستند، کدام یک نجات بخش بشر است و رستگاری او را تضمین می کند؟ جواب داده شده کثرت گرایی یا پلورالیسم مشکل را حل می کند. می دانیم که نمی توان همه ی ادیان را برحق دانست و نمی توان همه را نیز تخطئه کرد؛ زیرا در میان همه ی ادیان، انسان های پاک و صادقی وجود دارند، هر چند از محتوای دینی که ما آن را حق می دانیم، بی خبر باشند. آیا می توان گفت که چنین افرادی، به رستگاری نمی رسند؟

فشرده ی این نظریه که جان هیک آن را کامل تر بیان کرد، چنین است: «تنها یک راه و شیوه ی نجات و رستگاری وجود ندارد، بلکه راه های متعدد و متکثری در این زمینه وجود دارند.»^{۱۳} یعنی همه ی ادیان می توانند بشر را به سعادت برسانند، نه تنها یک دین. بنابراین، اسلام و مسیحیت هیچ یک نمی توانند ادعا کنند که تنها ما سعادت بخش هستیم. «بنابراین، تکثرگرایی، حقانیت و کمال و رستگاری را در همه ی ادیان محقق می شمارد.»^{۱۴} حتی اگر دینی از نظر آموزه های اسلام، شرک آلود و باطل باشد، باز هم کمال و رستگاری را در پی خواهد داشت! کثرت گرایی هم چنان که از نامش پیداست، تعدد و تفاوت ادیان را صحیح می داند و کاملاً آن ها را از هم جدا می شمارد، ولی می گوید: «هر چند ادیان تفاوت دارند، ولی آن ها در راه رستگاری بشر، یک کار مشترک انجام می دهند که در این صورت ما به بطلان یا ناحق بودن بسیاری از ادیان، دچار نمی شویم یا فقط راه و دین خود را حق نمی دانیم.»

با این حال، واقعیت جز این است. در ادیان آسمانی، دوگونه کثرت و تعدد را می توان تصور کرد. به عبارتی، «کثرت دینی را می توان به دو گونه ی طولی و عرضی تقریر کرد.

کثرت عرضی ادیان و شرایع آسمانی؛ بدین صورت که همه یا عده ای از پیروان دینی و شریعت پیشین، از پذیرش شریعت آسمانی جدید سرباز زده و بر شریعت پیشین باقی بمانند. مثال این گونه کثرت، ادیان ابراهیمی یهود، مسیحیت و اسلام است. کثرت طولی عبارت است از ادیان یا شرایع آسمانی که در طول تاریخ بشر ظهور نموده و به دین یا شریعت اسلام ختم گردیده است. چنین کثرتی نه با حقانیت همگانی دین ها منافات دارد و نه از جنبه ی عملی مشکل آفرین است؛ زیرا فرض این است که همه ی ادیان، الهی و توحیدی اند و تغیر و تحریفی در آن ها راه نیافته است. بنابراین، از جنبه ی نظری، همگی برحق اند و پیروان آن

^{۱۳} . مباحث پلورالیسم دینی؛ جان هیک؛ مترجم: گواهی - عبدالرحیم؛ محل نشر: تهران ص ۹۶.

^{۱۴} . مجله ی معرفت؛ انتشارات مؤسسه ی امام خمینی رحمه ... علیه ،

ها نیز به نجات و رستگاری نایل آمده اند. از جنبه ی عملی نیز چون در زمان های مختلف و متوالی ظهور کرده اند مشکلی پیش رو نیست. در این جا با پدیده ی نسخ رو به رو هستیم؛ یعنی با آمدن شریعت الهی جدید، برخی از احکام شریعت پیشین، نسخ شده و عمل به آن ها مایه ی سعادت و رشد و کمال نفسانی نخواهد بود».

پس ادیان، کثرت طولی دارند و این کثرت طولی هیچ گونه مشکل نظری و عملی ایجاد نمی کند. به عبارتی، هر چند در ظاهر کثرت عرضی وجود دارد، ولی از وجود یک چیز نمی توان حقانیت آن را نتیجه گرفت. پس در باطن و حقیقت، کثرت عرضی وجود ندارد و تنها یکی از ادیان، حق است، نه بیشتر. کثرتی که در ظاهر می بینیم در شریعت های ادیان است وگرنه ادیان در روح کلی خود، وحدت و یگانگی دارند. توحید، نبوت، وحی و معاد، روح کلی و مشترک همه ی ادیان آسمانی است. همه از یک خدا و یک معاد سخن می گویند و هدف کلی آن ها توجه دادن به حق، پیروی از پروردگار و بندگی او و حرکت به سوی رستگاری است. البته در احکام و فروع جزئی، اختلاف دارند که یک امر طبیعی است. «و دستورات جزئی و فروع (احکام) عملی متناسب با ابعاد طبیعی و مادی آدمی و خصوصیات فردی و قومی به مقتضای زمان ها و مکان ها تغییر می یابند. این فروع جزئی (مثل نماز و روزه و...) که دلیل پیدایش مذاهب گوناگون هستند، نه تنها موجب کثرت در اصل دین نمی باشند، بلکه نتیجه ی همان فطرت ثابت و واحد هستند.»^{۱۰}

بنابراین، دین در اصل، یکی است و شریعت ها، تفاوت دارند نه تعدد. در صورتی می توان گفت ادیان تعدد دارند که هر یک، دیگری را نفی کند. قرآن مجید، پیامبران و شریعت های پیش از خود را نه تنها ردّ نمی کند، بلکه تصدیق می کند. ادیان آسمانی پیشین نیز آمدن دین اسلام را بشارت داده و حتی از با اشاره به نام پیامبر خاتم از او یاد کرده اند:

وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ص ۶.

ای پیامبر! به یاد آر هنگامی را که عیسی پسر مریم به بنی اسرائیل گفت: همانا من فرستاده ی خدا به سوی شما هستم و به حقانیت کتاب تورات (که پیش از من نازل شده) و در برابر من است، ایمان دارم. هم چنین شما را به آمدن رسولی که نامش (در انجیل من) احمد است، مژده می دهم... .

^{۱۰} . تحلیل و نقد پلورالیسم، علی ربانی گلپایگانی، نشر فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چ ۱، ۸۷۳۱ ش.

بنابراین، ادیان، کثرت عرضی نداشته و به دیگر سخن، تنافی ندارند، بلکه کثرت ادیان، طولی است. در غیر این صورت، باید همدیگر را نفی می کردند، نه تصدیق.^{۱۶}

استاد مرتضی مطهری در این زمینه می نویسد: «دین حق در هر زمانی، یکی بیش نیست و بر همه کس لازم است که از آن پیروی کند. این اندیشه که اخیراً در میان برخی از مدعیان روشن فکری رایج شده است که می گویند همه ی ادیان آسمانی از لحاظ اعتبار در همه وقت یکسانند، اندیشه ی نادرستی است. درست است که پیامبران خدا همگی به سوی یک هدف و یک خدا دعوت کرده اند، ولی این سخن به این معنا نیست که در هر زمانی، چندین دین حق وجود دارد و انسان می تواند هر دینی را که می خواهد بپذیرد، بلکه معنای آن، این است که انسان باید همه ی پیامبران را قبول داشته باشد و بداند که پیامبران سابق، مبشر پیامبران لاحق، خصوصاً خاتم و افضل آنان بوده اند و پیامبران لاحق، مصدق پیامبران سابق بوده اند. پس لازمه ی ایمان به همه پیامبری باشیم که دوره ی اوست و قهراً لازم است در دوره ی ختمیه به آخرین دستورهایی که از جانب خدا به وسیله ی آخرین پیامبر رسیده است، عمل کنیم. این لازم اسلام، یعنی تسلیم شدن به خدا و پذیرفتن رسالت های فرستادگان اوست. در این زمان اگر کسی بخواهد به سوی خدا راهی بجوید، باید از دستورات دین او (پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم) راهنمایی بجوید. قرآن کریم می فرماید: وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^{۱۷} هر کس غیر از اسلام دینی را بجوید، هرگز از او پذیرفته نشود و او در جهان آخرت از زیان کاران خواهد بود»^{۱۸}.

پلورالیسم در اصول، فقه و آراء مجتهدین

وقتی به فتاوی مراجع شیعه و علمای سنی نگاه می شود در بسیاری از موارد بین علمای مذهب تشیع و تسنن و حتی بین خود علمای مذهب تشیع با یکدیگر یا علمای تسنن با یکدیگر اختلافاتی دیده می شود، هم علمای تشیع هم تسنن پیروی مقلدین - غیر علما - از علما را واجب می دانند و عمل آنها طبق نظر عالم و مجتهدشان را مکفی و باعث بری الذمه شدن آنها می دانند و این فرد با این عمل مستحق ثواب و با انجام ندادن آن طبق نظر مجتهدش مستحق عقاب می شود.

^{۱۶} . شریعت در آینه ی معرفت؛ جوادی آملی، عبدا...؛ مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، ۱۳۷۲.

^{۱۷} آل عمران ۸۵.

^{۱۸} . عدل الهی؛ مطهری، مرتضی؛ نشر صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۶۸ ش.

مثلا خوردن خون داخل تخم مرغ برای مقلدین این مجتهد حرام و برای آن یکی حلال می شود، این تکثر گرایی در اصول و فقه شیعه و اهل سنت راه دارد حتی اهل تسنن در مباحث اعتقادی به عادل بودن کل صحابه معتقدند سوال اینجاست که آیا بین این پلورالیسم در تشیع و تسنن فرق هست یا نه؟ وقتی به اصول فقه مرحوم مظفر یا شیخ انصاری یا آخوند خراسانی مراجعه می شود خواهیم دید آنچه که شیعه در این مبحث معتقد است با اهل تسنن متفاوت بوده، شیعه در حکم ا... واقعی حکم را یکی می داند و برای فتوای مجتهد قائل به مصلحت سلوکیه و مخطئه و... است اما اهل تسنن قائل به تصویب هستند.

توضیح این بحث به علت تفصیل از عهده این مقاله خارج است، اما همین پس که قائلین به تصویب حکم مجتهد و صحابی را حکم ا... گرفته و خارج از حکم مجتهد و صحابی، حکمی برای خدا قائل نیستند و هر حکمی مجتهد و صحابی داد، عینا حکم ا... واقعی می شمارند. اما شیعه به خطا کردن مجتهد و صحابی معترف است لکن برای عمل به فتوا به اذن شارع، مصلحت سلوکیه قائل است و این روش را مورد امضا شارع می داند و عمل به آن تا وقتی انسان به حکم ا... واقعی نرسیده، مکفی است و برائت اشتغال ذمه می آورد ولی حکم ا... واقعی در احکام متناقض یکی از این احکام است پس شیعه در حکم ا... واقعی قائل به امتناع اجتماع نقیضین و تعارض و تضاد است ولی اهل تسنن قائل به تصویب و امکان اجتماع هستند.^{۱۹}

پیامدهای پلورالیسم

پلورالیسم دینی به معنای نامقبول آن که در گفتار اول آمد پیامدهای منفی و مثبتی دارد که در این گفتار به اقتضای بحث به آن پرداخته می شود.

پیامدهای منفی

✓ اجتماع نقیضین

هواداران پلورالیسم گفته اند: «پلورالیسم به شکل کنونی آن متعلق به عصر جدید است.^{۲۰} علی ای حال با تنوعی روبه رو هستیم که به هیچ رو، قابل تحویل به امر واحد نیست و باید این نوع را به حساب آوریم و نادیده نگیریم و برای حصول و حدوث تنوع نظریه داشته باشیم.»^{۲۱} پلورالیسم، معنا و ریشه‌ی دیگری هم دارد و آن این که، بدیل‌ها و رقیب‌های موجود واقعاً کثیر هستند؛ یعنی تباین ذاتی دارند.^{۲۲} اختلاف مؤمن و گبر و جهود، اختلاف حق و باطل نیست، بلکه اختلاف نظرگاه، آن هم نه نظرگاه پیروان ادیان، بلکه نظرگاه پیامبران علیهم السلام است.^{۲۳} با توجه به این رویکرد، هیچ مرزی برای ادیان و تجربه‌های دینی و فهم‌ها و تفسیرهای به رسمیت شناخته شده، قایل نیستند؛ یعنی همه را «عین وحی حق» می‌پندارند و همه‌ی ادیان را حق می‌دانند.^{۲۴} با توجه به این که ادیان با یکدیگر تقابل دارند، می‌پرسیم: می‌توان پذیرفت که طرفین نقیض، حق و صحیح باشند؟ برای نمونه، آیا اعتقاد به خدایان سه‌گانه (مسیحیان) و ثنویت (زرتشتیان) و خدای یگانه (مسلمانان و یهودیان) همه حق و صحیح است؟ آشکار است که بر موضوع واحد، نمی‌توان محمول‌های متناقض را حمل کرد؛ زیرا به اجتماع نقیضین می‌انجامد. از این رو، وقتی می‌گوییم مبدأ، یگانه و واحد است، بدان معناست که دوگانه و سه‌گانه نیست. اگر هم بخواهیم همه‌ی این ادعاها را بپذیریم، اجتماع نقیضین را پذیرفته ایم که بطلان آن آشکار است.

^{۲۰} صراط‌های مستقیم؛ سروش، عبدالکریم؛ موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۸۷، ص

.۲

^{۲۱} همان، ص ۵.

^{۲۲} همان، ص ۰۱.

^{۲۳} همان، ص ۰۶.

^{۲۴} تحلیل و نقد پلورالیسم دینی؛ ربانی گلپایگانی، علی؛ مؤسسه‌ی فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر، صص ۱۷ - ۳۷.

✓ پلورالیسم خویش برانداز

با توجه به ادعای مدعیان پلورالیسم، می توان گفت که پلورالیسم خود ویران ساز است؛ زیرا پذیرش این نظریه، مستلزم حق پنداشتن مرام های رقیب است که آن ها پلورالیسم را نقض می کنند.^{۲۰}

✓ امتناع ایمان

ایمان، عقد قلبی است که بر یقین و نفی و شک استوار است. بنا بر مبانی پلورالیسم، آن چه نزد ماست «فهم و قشر» دین است، نه بطن و متن آن. فهم ها نیز ممکن است خطا و غلط باشند. اگر هم فهم درستی در میان باشد، به دلیل «تبیین ذاتی فهم ها» همه ی آن ها نمی توانند درست باشند. با تغییر در علم و فلسفه - که سیال هستند- پیش فرض های ما نیز دگرگون می شود. هم چنین فهم ما از متن صامت، جای خود را به فهم مغایر می دهد. البته اگر فرض کنیم که علم و فلسفه و در پی آن، فهم ما تا ابد ثابت بماند، فهم صادق، مصدق ندارد؛ زیرا فهم ما، فهم متن و حیانی و درک نفس الامر گزاره ها و آموزه های دینی نیست. در اصل، فهم ما چیزی جز پژواک انتظارها و پرسش ها و پیش فرض های ما نخواهد بود. این گونه برخورد با مسأله ی دین به شکاکیت می انجامد که با ایمان سازگاری ندارد؛ زیرا ایمان بر پایه ی یقین بنا می شود.

✓ حجیت نداشتن متون دینی و بی اعتبار شدن عمل به گزاره های دینی

بدین ترتیب، ظاهر متون و نصوص دینی از حجیت ساقط می شود؛ زیرا دریافت ما از این نصوص، فرآورده ی تعاطی ذهن و عین یا بازتاب انتظارها، پرسش ها و پیش فرض های ما است. یعنی در هر صورت، دریافت ما از متن است و هرگز حجیت نخواهد بود. بر همین اساس، عمل به گزاره های دینی، بی اعتبار خواهد شد؛ زیرا پلورالیسم، «فتوا دادن به تباین فرو ناکاستنی و قیاس ناپذیری فرهنگ ها، دین ها، زبان ها و تجربه های آدمیان و همه را اهل فلاح و صلاح پنداشتن» است. بر این مبنا، برای نجات و سعادت، نمی توان ملاکی ارائه داد؛ زیرا ارزش ایمان به «متعلق» آن بستگی دارد و صرف باور داشتن به چیزی، ارزش شمرده نمی شود.

✓ نقش هدایت گرایانه ی دین

مبانی پلورالیسم با نقش هدایت گری دین و خداوند سازگاری ندارد؛ زیرا اگر فهم آدمیان از متون دینی متنوع و

^{۲۰} لوازم فلسفی - کلامی پلورالیسم دینی، رشاد، علی اکبر، مجله ی کتاب نقد، ش ۴، ص ۸۹.

متباین است (این، یکی از مبانی پلورالیسم است) و تفسیرهای تجربه‌کنندگان تجربه‌های دینی نیز یکسره متکثر و متضاد است (مبنای دیگری از پلورالیسم)، دین و تجربه‌ی تفسیر نشده‌ای نخواهیم داشت. پس همه‌ی ادیان و تجربه‌ها، دستخوش تفسیرهای گوناگون گشته و همگی تحریف شده‌اند.^{۲۶} در این صورت، دسترسی به جوهر دین و دین حق، اندیشه‌ی ای بیهوده است و این به معنای بسته بودن باب هدایت و بی‌مصدق شدن اسم هادی حق تعالی است. رسیدن به رستگاری نیز پنداری ساده لوحانه خواهد بود.^{۲۷} در این جا، این پرسش مطرح می‌شود که چرا خداوند پیامبران را برای هدایت مردم فرستاده است، در صورتی که خود می‌دانست ممکن است وحی حق، ذهن آلوده شود و به «نظرها و منظرها» گرفتار گردد؟ یعنی با تأثیر پذیرفتن از شرایط قومی، ذهنی و روحی شخص پیامبران، پیش‌فرض‌های مفسران، دستخوش «قبض و بسط تئوریک»^{۲۸} گردد و در اقیانوس تفسیرهای متباین و متناقض، فرو رود.

✓ جواز بدعت و تعطیلی شریعت

بر اساس مبانی پلورالیسم، «در معرفت دینی هم چون هر معرفت بشری دیگر، قول هیچ کس، حجت تعبدی برای کس دیگر نیست و هیچ فهمی، مقدس و فوق‌چون و چرا نیست.»^{۲۹} این سخن به معنای جواز «بدعت» و ظهور پیاپی پیامبران دروغین است و بر همین اساس، شریعت‌ها تعطیل می‌شوند؛ زیرا آن چه در این جا راهزنی می‌کند، عنوان کافر و مؤمن است که عنوان‌هایی صرفاً فقهی و دنیوی هستند. نظیر این عنوان‌ها در همه‌ی شریعت‌ها وجود دارد و ما را از دیدن باطن امور، دور می‌دارد.^{۳۰} این عنوان‌ها که «تمایزهای ظاهری» است، باید از میان برداشته شود؛ زیرا «عمل کردن به این یا آن آداب، مایه‌ی سعادت و هدایت نیست.»^{۳۱}

^{۲۶} صراط‌های مستقیم، همان، ص ۴.

^{۲۷} صراط‌های مستقیم؛ همان؛ ص ۴.

^{۲۸} تحلیل و نقد پلورالیسم دینی؛ همان؛ صص ۲۲۱ - ۲۲۱.

^{۲۹} صراط‌های مستقیم؛ همان؛ ص ۴.

^{۳۰} همان؛ ص ۲۱.

^{۳۱} مجله‌ی کتاب نقد؛ مقاله: لوازم فلسفی - کلامی پلورالیسم دینی؛

رشاد، علی اکبر؛ ش ۴؛ صص ۴۰۱ - ۵۰۱.

برای مطالعه‌ی بیش‌تر ر.ک:

تحلیل و نقد پلورالیسم دینی، علی ربانی گلپایگانی، مؤسسه‌ی

فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر، صص ۳۶ و ۷۷۱.

دین‌شناسی، محمد حسین زاده، مؤسسه‌ی پژوهشی امام خمینی رحمه ...

تازه‌های اندیشه، (پلورالیسم دین، حقیقت، کثرت)، هادی صادقی،

معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، صص ۴۹ و ۲۱۱.

لوازم فلسفی - کلامی پلورالیسم دینی، علی اکبر رشاد، کتاب نقد، ش

۴، صص ۶۹ و ۵۰۱.

پیامدهای مثبت

همانطور که بیان شد پلورالیسم نامقبول پیامدهای منفی بسیاری دارد ولی با این وجود می توان برای پلورالیسم پیامدهای مثبتی نیز برشمرد از جمله:

✓ هم زیستی مسالمت آمیز پیروان ادیان

ادعا شده است که یکی از پیامدهای مثبت «پلورالیسم دینی»، مدارا و هم زیستی مسالمت آمیز پیروان ادیان و مذهب های گوناگون در یک جامعه است؛ یعنی در مقام عمل، همه با مسالمت و صلح و صفا در کنار هم زندگی کنند، به یکدیگر احترام بگذارند و با هم درگیر نشوند. این گونه «پلورالیسم دینی» پیش از آن که از سوی هواداران این نظریه مطرح شود، به شکل کامل تر و منطقی در دین اسلام و سیره ی پیامبر اکرم و پیشوایان معصوم علیهم السّلام وجود داشته است. برای نمونه، قرآن کریم می فرماید:

و لا ینهکم... عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبرؤهم و تقسطوا الیهم ان... یحب المقسطین.^{۳۲}

خداوند، شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن در حق کسانی که در امر دین با شما پیکار نکرده و شما را از خانه و دیارتان، بیرون نرانده اند، باز نمی دارد؛ زیرا خداوند، عدالت پیشگان را دوست دارد.

✓ گفت وگوی ادیان

بر اساس این روش، دین داران باید با روشی منطقی و خردپذیر، به بررسی اصول دینی همه ی ادیان بپردازند و با ضوابط معرفت شناسی و منطقی به گفته ی آنان گوش فرادهند، تا به دین صحیح دست یابند. قرآن کریم نیز به این مطلب اشاره دارد، چنان که می فرماید: فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه.^{۳۳} پس بندگان را بشارت ده، همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آن ها پیروی می کنند....

در سیره ی پیامبر اکرم و پیشوایان معصوم علیهم السّلام می بینیم که آنان همیشه در این زمینه پیش گام بودند و با سعه ی صدر و اخلاق نیک، با انجام مناظره به جدال احسن می پرداختند و به اندیشه ی مخالفان خویش، احترام می نهادند.^{۳۴}

^{۳۲} ممتحنه، ۸.

^{۳۳} زمر، ۷۱ و ۸۱.

^{۳۴} کلام جدید، ص ۲۷۱.

✓ نجات اکثریت

گفته اند یکی دیگر از پیامدهای مثبت پلورالیسم دینی، نجات یافتن افراد بیشتری از مردم است. باید گفت: هر چند یک دین حق است، ولی خداوند متعال در قیامت، افراد بسیاری را که تقصیری نداشته اند، می بخشد؛ یعنی خداوند این مستضعفان فکری را هر چند پیرو دین های دیگری باشند، از بخشش خود، بی نصیب نمی گذارد. پس مسأله ی بخشش و نجات افراد بیشتر، بدون تکیه بر پلورالیسم دینی نیز تحقق یافته است.^{۳۰}

تفاوت جامعه اسلامی با جامعه پلورالیستی

با توجه به این گفته ها به دست می آید که بدون پلورالیسم دینی، می توان به پیامدهای مثبت آن دست یافت. به همین دلیل لازم می آید تفاوت های جامعه اسلامی با جامعه ای که در آن «پلورالیسم دینی» پذیرفته شده است، بیان شود که برخی از این تفاوت ها عبارتند از:

✓ جوامعی که پلورالیسم دینی را پذیرفته اند، در پی مسایل مشترک هستند

این دیدگاه به وسیله ی نسبت گرای، خودنمایی می کند. جوامع به اصطلاح «پلورالیستی»، از یک سو با اطلاق گرایی و طرد گرایی مخالف اند و از سوی دیگر، به دلیل دگرگونی های تاریخی، معتقدند که همه چیز به ویژه پدیده های فرهنگی و نظریه های دینی و اخلاقی، وسیله ی رستگاری را در اختیار انسان می نهند. پس به اختلاف ها و راه های متفاوت یکدیگر نباید اندیشید، بلکه باید به مسایل مشترک توجه داشت و از اختلاف پرهیز کرد. این رویکرد، در جامعه ی اسلامی، جایگاهی ندارد؛ زیرا اگر این جامعه ها به تحول تاریخی همه ی پدیده های و نسبت واقعی و خارجی گرایش دارند، پس نباید به رستگاری اعتقادی داشته باشند. این در حالی است که این عناصر هدف همه ی دین داران است. می پرسیم: اگر همه ی پدیده های جهان، متحول و متغیر باشند، پس چگونه می توان یک یا چند امر مشترک و ثابت در همه ی ادیان یافت؟ افزون بر این، هیچ اندیشمند واقعیت گرایی، تحول عمومی پدیده ها را نمی پذیرد؛ چون در غیر این صورت، نخستین پدیده ای که با این نظریه ذبح می شود، نظریه ی نسبی گرایی صاحبان این رویکرد است که تحول، آن را به اثبات تبدیل می کند. از همه مهم تر، سیره ی پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم السّلام و قرآن کریم، شکاکیت و نسبت را نفی می کنند و رسیدن به حق را امکان پذیر می دانند. قرآن می فرماید

^{۳۰} عدل الهی؛ مطهری، مرتضی، نشر صدرا صص ۹۸۲ و ۴۶۳.

وَ إِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ السَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنَّ نَظْنَ إِلَّا ظَنًّا وَ مَا نَحْنُ بِمُؤْتَقِنِينَ
و هنگامی که گفته می شد: «وعدده ی خداوند حق است و در قیامت هیچ شکی نیست»، شما می گفتید: «ما نمی دانیم قیامت چیست؟ ما تنها گمانی در این باره داریم و به هیچ وجه یقین نداریم»^{۳۶}.

✓ وحدت جامع و کامل دین

بر اساس این ویژگی، جامعه ی تکثرگرا، ضرورت دین را در وجود گوهر دین پذیرفتنی می داند و تکثر ادیان را برای پدیدار گشتن جامع و کامل وحدت متعالی دین، ضروری می شمارد. به گفته ی آنان، هر دین خاص، بخشی از ذات و گوهر دین ازلی و ابدی را تجسم می بخشد.

این سخن نیز اشکال هایی دارد که اینک بر می شمريم. ضمانتی وجود ندارد که ادیان، گوهر واحدی داشته باشند. افزون بر آن، گوهر واحد ادیان نیز قابل کشف نیست. باید دانست اگر وجود صدف برای ادیان ضرورت نداشته باشد، گوهر ادیان نیز نمی تواند تداوم یابد. حتی اگر ما تمایز صدف و گوهر ادیان را بپذیریم، نمی توانیم ضرورت وجود صدف را انکار کنیم؛ زیرا هر انسان دین داری که می خواهد به گوهر دین خود دست یابد تنها از راه صدف، به آن می رسد. پس این ویژگی به خواسته ی «پلورالیسم» تحقق نمی بخشد؛ زیرا هر دینی به ناچار، به انحصار صدف و گوهر خود فتوا می دهد.

✓ حجیت مطلق و منحصر به فرد، در هیچ دینی وجود ندارد

در جوامع که نظریه ی «پلورالیسم دینی» حاکم است، سه عنصر اصلی در تجارب دینی بشر وجود دارد که عبارت است از: عنصر رازگونه، عنصر عرفانی و عنصر پیامبرانه. اگر این سه عنصر با یکدیگر هم آهنگ و متحد شوند، چیزی به نام «دین روح عینی» فراهم می آورند. این پدیده همان مطلوبی است که ادیان در جست و جوی آنند و در هر دین تاریخی، تنها بخشی از آن به ظهور رسیده است. پس حجیت مطلق و منحصر به فرد، در هیچ دین خاصی وجود ندارد.

این ویژگی نیز در جامعه ی اسلامی جایگاهی ندارد؛ زیرا همان گونه که تفسیرهای گوناگون درباره ی تجربه ی دینی از فرهنگ، سنت، اوضاع اجتماعی و روح افراد متأثر است، حقیقت تجربه ی دینی نیز که برای تجربه گر پدید می آید، از آن ها تأثیر می پذیرد. در نتیجه، تجربه های دینی همانند تفسیر آن ها، متفاوت و گونه گون خواهند بود. اگر هر دینی تنها به بخشی از روح عینی دست می یابد، چگونه وجود آن حقیقت اثبات می شود و می گوئیم هر

دینی به بخشی از آن رسیده است؛ زیرا ممکن است هر یک از ادیان به واقعیتی مستقل از دین دیگر دست یافته باشد. پس این ادعا که همگی ادیان به بخش های گوناگون یک حقیقت رسیده اند، بدون دلیل است.

✓ پیام های همه ی ادیان معنای واحدی دارد

براساس این ویژگی، ادیان الهی همگی پیام های واحدی دارند؛ یعنی ادیان، سخن یکدیگر را نقض نمی کنند و مردم می توانند با ادیان گوناگون، به یک نتیجه برسند! این ویژگی نیز معتبر نیست؛ زیرا ادیان، اختلاف ریشه داری دارند و تفاوت آشکاری حتی میان یهودیان و مسیحیان دیده می شود. اختلاف های دینی به دو دسته ی عقیدتی و بنیادین تقسیم می شود. در گروه اول، محمول های گوناگون، به یک موضوع واحد نسبت داده می شود. اختلاف های گروه دوم نیز آن است که موضوع های گوناگون به یک محمول پیوند می خورد. برای نمونه، این دو گزاره را در نظر بگیرید:

الف - «خداوند مبدأ هستی است».

ب - «طبیعت مبدأ هستی است».

اختلافی که بین این دو گزینه وجود دارد، باورمندان آن ها را به موحد و غیر موحد تقسیم می کند.

✓ محور بودن ایمان گرایی به جای شریعت مدار

دیگر ویژگی یک جامعه ی «تکثرگرا»، این است که شریعت گرایی در آن، جای خود را به ایمان گرایی می دهد. هرگاه سازمان ها و نهادهای دینی در جامعه ای به وجود آمدند، ساختارهای عقیدتی و عملی دگم و بسته ای را در قالب قوانین خشک و انعطاف ناپذیر پدید می آورند که به نفع دیگران می انجامد. در مقابل، ایمان دینی، تجربه ای سیال است که به نفع دیگران نمی انجامد.

این ویژگی نیز مشکل دارد. اگر بتوان شریعت را به صورت آداب و رسوم و ساختار نظام ضد عقیدتی و اجتماعی ارائه کرد که به صورت سیال، با تجربه ی ایمانی و دینی، سازگار باشد، این صورت سیال دین با جامعه و فرهنگی متناسب است که از آن تأثیر پذیرفته است. بدین ترتیب، دین با تجربه ی دینی که در آن جامعه، تولد یافته است، سازگاری می یابد. چون جوامع و فرهنگ ها گوناگون هستند، به ناچار ادیان و تجربه های دینی آن ها نیز تفاوت پیدا خواهند کرد. آن گاه به آغاز نزاع بر می گردیم؛ یعنی این پرسش پیش می آید که رستگاری و رسیدن به حقیقت از آن کدام دین و تجربه ی دینی است؟

✓ همه ی ادیان بدون هیچ تفاوتی بر حقّند

یکی دیگر از ویژگی های جوامع «پلورالیستی»، بر حق دانستن همه ی ادیان آسمانی است. در این دیدگاه، اسلام، مسیحیت، یهودیت و حتی در معنای گسترده تر، همه ی مکتب های غیر آسمانی مانند: بوداییزم، هندوییزم، مارکسیسم و... رستگاری بشر را تضمین می کنند و حقانیت و رسمیت دارند!

این ویژگی، با بحران منطقی و عقلی آشکاری رو به روست؛ زیرا اجتماع نقیضین و ضدین را پیشنهاد می دهد، در حالی که هر دو محال هستند. انسان با پذیرش «توحید» اسلام، «تثلیث» مسیحیت و «الوهیت» برهما و بودا، به تناقض گویی آشکاری دچار می شود که بر هیچ کس پوشیده نمی ماند. افزون بر آن، در درون دین نیز آیات و روایات اسلامی، به صراحت و صددرد با آن مخالفند.

نتیجه گیری

با توجه به مطالب بیان شده در این فصل می توان گفت تنها در عرصه ی هم زیستی مسالمت آمیز پیروان مذاهب و ادیان در کنار یکدیگر و مدارا کردن و قائل به کثرت طولی بودن ، نظریه ی نجات اکثریت و گفت و گوی ادیان، رویکردی از پلورالیسم دینی دیده می شود. با این حال، همه ی پیامدهای مثبت، به شکل کامل و منطقی تر در آیات قرآن کریم، متون دینی و سیره ی پیامبر اکرم و پیشوایان معصوم علیهم السّلام آمده است. اهل بیت علیهم السّلام همواره با انجام مناظره و جدال احسن، با سعه ی صدر و اخلاق نیکو، این کارکردها را تحقق بخشیده اند. دیگر ویژگی های پلورالیسم، خصوصا با تعاریف نامقبول از پلورالیسم اصولاً با مبانی اسلامی هم آهنگ نیست و جامعه ی اسلامی نیز به یاری جستن از آن ها، نیازی ندارد.

از این جهت می توان لفظ پلورالیسم بکار رفته در مقالات و کتب را به مقبول علمای شیعه و غیر مقبول تقسیم کرد. وقتی پلورالیسم در مقاله ای به صورت مطلق آورده همان پلورالیسم نامقبول خواهد بود اما علما برای تمییز وقتی معنای مقبول را مورد نظر داشته باشند آن را به صورت مقید می آورند .

برای مصادیق نامقبول آن، به پلورالیسم به معنای پلورالیسم عرضی و پلورالیسم در اصول و فقه اهل تسنن و پلورالیسم به معنای مدارا، بدون ادعای حقانیت برای عقیده ی و تکثر در فهم حقیقت غایی، بمعنای همه حقند، یا حق امری نسبی است و پلورالیسم دینی بر پایه ی پوزیتیویسم و پلورالیسم به معنای بهره مندی یکسان ادیان از حق و باطل و پلورالیسم به معنای ادیان همگی راه هایی به سوی حق هستند، می توان اشاره کرد

و از مصادیق معنای مقبول پلورالیسم نزد علمای شیعه پلورالیسم به معنای پلورالیسم طولی و پلورالیسم در اصول و فقه تشیع و پلورالیسم به معنای مدارا با ادعای حقانیت برای عقیده خود و تکثر در فهم حقیقت غایی بمعنای مرتبه داشتن درجات فهم، با حفظ ادعای حقیقت مطابقت برای حق را می توان نام برد .

موافقان نعمت ا... می گویند : نور الدین نعمت ا... بن عبدا... بن محمد معروف به شاه نعمت ا... ولی موسس فرقه نعمت ا...یه از سادات حسینی بوده نسبش با نوزده واسطه به پیامبر عظیم الشان (صلوات ا... علیه) می رسید. و از جانب مادر به کرد های شبانکاره منسوب بود. پدرش میر عبدا... از علما و دانشمندان شهر حلب به شمار میرفت. سید نعمت ا... ولی در دوشنبه چهاردهم ربیع الاول سال ۷۳۱ هجری قمری در شهر حلب^{۳۷}

پدر وی در اوان کودکی شاه ولی، از شهر حلب به ناحیه کچ مکران مهاجرت می کند و سید نعمت ا... کودکی و جوانی خود را در ایران می گذارند. وی در دوران جوانی به فراگیری علوم متداول زمان چون علم کلام و بلاغت و فقه پرداخت.

در این فصل به اشکالاتی که در نقل قول موافقان در مورد نعمت ا... ولی وجود دارد، از قبیل انقطاع سلاسل صوفیه، مذهب نعمت ا... ولی، پیشگویی ها، اشعار منتسب به او و ادعای های دیگر وی پرداخته می شود.

^{۳۷} . تحقیق در احوال و نقد آثار و افکار شاه نعمت ا... ولی. فرزام؛ حمید، تهران، سروش، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص. ۱۷.

انقطاع سلاسل صوفیه

صوفیه نعمت الهیه با طرح « به این جهت علی علیه السلام را امام می دانیم که پیغمبر تصریح به امامت او کرد»^{۳۸} تفهیم می کنند صحت اتصال فرقه ای را می پذیریم که فرقه دار قبلی به ریاست فرد بعدی تصریح کرده باشد. چنانکه بعد از اشاره به سبک جانشینی علی - علیه السلام - تذکر داده اند: «از این امر چنین استنباط می شود که رهبری را باید رهبر قبلی تعیین کند»^{۳۹} و «همانطور که پیغمبر و امام را مردم انتخاب نکرده اند بلکه خدا آنها را انتخاب کرد، رهبران بعدی (منظور روسای صوفیه) هم به طور غیر مستقیم باید به الهام خدایی انتخاب شوند یعنی هر رهبری برای بعد از خودش باید جانشین تعیین کند و همین وضعیت در دوران دوازده امام برقرار بود، بعد از غیبت امام دوازدهم»^{۴۰} «اخذ بیعت و تربیت معنوی (از طرف امام زمان) به جنید بغدادی»^{۴۱} سنی الاصل سپرده شد.

به هر حال مشایخ صوفیه جملگی خرقه تصوف را به علی بن ابیطالب علیه السلام می رسانند و معتقدند اگر فرقه ای سند خرقه اش به ساحت اقدس مولی الموحدین علی امیر المومنین نرسد، سلسله اش باطل است. به همین لحاظ صوفی مشهور دوره اخیر، صفی علیشاه، معتقد است رئیس صوفیان می باید «از عهده اثبات سلسله برآید که یداً به ید می رسد تا به امام»^{۴۲} و ملاعلی گنابادی، قول صوفی بدون اجازه را چون بول دانسته است^{۴۳} و خلاصه نجیب الدین رضا، رئیس صوفی ذهبی می سراید: «بی سند صوفی مثال خر بود»^{۴۴} به همین اعتبار برای آنکه صوفیان «خر» نشوند و قول ایشان حکم «بول» پیدا نکند، همه و همه فرق مدعی هستند: «همه سلاسل صوفیه رشته اجازه خود را معنعن - حدیث معنعن (عنعنه) در اصطلاح علم حدیث (درایه) به روایتی گفته می

^{۳۸} مجموعه مقالات درباره شاه نعمت ا... : ۲۶

^{۳۹} همان.

^{۴۰} همان. ص. ۲۷.

^{۴۱} همان. ۲۶.

^{۴۲} مقدمه دیوان صفی : ۱۶

^{۴۳} رساله سعادتیه : ۸۴ اصفهانی، عبدالغفار، - ق ۱۳۱۳ هـ : حقیقت،

۱۳۷۲ رساله سعادتیه / نگارش عبدالغفار اصفهانی. به انضمام بخشی از کتاب

سلطان فلک سعادت / تالیف علی نورعلیشاه ثانی: ۸۴

^{۴۴} : سبع المثانی : ۳۵۳ رساله سبع من المثانی و القرآن العظیم فی

مدیح النبی الکریم [چاپ سنگی] / میرزا هادی بن علی بجستانی خراسانی

حائری؛ کاتب محمدعلی التبریزی الغروی ۳۵۳

شود که بین افراد سند آن با کلمه "عن" پیوستگی برقرار شده باشد

به باب مدینه علم الهی حضرت علی می‌رسانند^{۴۵}. «علی تابنده - محبوب علیشاه - می‌نویسد: «تقریباً همه سلاسل، فقر خود را منتسب به علی می‌دانند»^{۴۶} اما این انتساب چگونه و توسط چه کسانی به علی امیرالمومنین علیه السلام می‌پیوندد، باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد که در اینجا بدان پرداختیم. ملا سلطان گنابادی، آنجا که درباره جاری شدن سلسله از ناحیه علی بن ابیطالب بحث می‌کند می‌نویسد: و مثل سلسله حسن بصری که بسیاری از سلاسل و دودمانها از آن منشعب شده است^{۴۷} و طریقه معروف بن فیروزان کرخی که با معروف بن خربوزان مکی نباید اشتباه شود به حسن بصری می‌رساند و خلاصه این رئیس صوفی نعمت...ی فرقه خود را به واسطه حسن بصری به ساحت قدس علی امیرالمومنین علیه السلام می‌رساند.^{۴۸}

جالب توجه اینکه به رئیس دیگر از فرقه گنابادی، یعنی ملاعلی گنابادی، سلطان حسین تابنده و علی تابنده گنابادی، آنجا که درباره انتساب خود و فرقه نعمت...ی گنابادی چیزی نوشته اند، اشاره ای به حسن بصری نکرده اند^{۴۹} و این درست بر خلاف نسبت روسای نعمت...یه و برخلاف نسبتی است که شاه نعمت...ولی درباره نسبت خرّقه خود متذکر شده است.^{۵۰} این بدان علت است که عده ای از کارگزاران صوفیه اخیراً متوجه شده اند محققانی درباره انتساب صوفیه به امامان شیعه، و حسن بصری به امیرالمومنین علیه السلام تحقیق و بررسی هایی انجام داده اند و به علت وفور احادیث و نقلهای تاریخی در مذمت حسن بصری موضوع اجازه ارشاد حسن بصری از امیرالمومنین علیه السلام را بی اعتبار نمودند، لذا درصدد برآمدند تا خود را از زیر بار این ذلت نجات دهند. بنابراین سلسله خود را به معروف کرخی و از او به امام رضا علیه السلام رساندند. حال با استناد به اقوال صوفیه که به صورت شجره فرقه ها در دسترس همگان می‌باشد جایگاه حسن بصری را در فرقه گنابادیه مشخص و معین می‌نمائیم.

این فرقه به دلیل انتساب به «نعمت...ولی» به فرقه نعمت...یه معروف شده است. عده ای کوشیده اند نسبت خرّقه این فرقه را به علی بن موسی الرضا علیه السلام رسانده^{۵۱}، از نقل ادامه تا به حسن بصری خودداری کرده اند، در صورتی که مشایخ فرقه آنها به واسطه آن دشمن سر سخت علی امیر المومنین علیه السلام سلسله را به آن ذات اقدس می‌رسانند چنانکه شاه نعمت... خود درباره خرّقه اش می‌سراید:^{۵۲}

باز شیخ سری بود معروف	چون سری سرّ او به او مکشوف
شیخ معروف را نکو میدان	شیخ داود طائیش میدان
شیخ او هم حبیب محبوب است	عجمی طالب است و مطلوب است
پیر بصری ابوالحسن باشد	شیخ شیخان انجمن باشد

و با اینکه سه تن از مشاهیر روسای فرقه گنابادی، ملاعلی، سلطان حسین و علی تابنده از نقل روند انتساب خرّقه تا حسن بصری خودداری کرده اند، در عصر آخرین رئیس فرقه نورعلی تابنده که فصلنامه عرفان ایران^{۵۳} با مقاله او آغاز می‌شود،

^{۴۵} عرفان ایران : ۵۶/۸

^{۴۶}: خورشید تابنده؛ شرح احوال و آثار عالم ربانی... سلطانحسین تابنده گنابادی رضا علیشاه (طاب ثراه) / تالیف و تدوین علی تابند [تهران]: حقیقت، ۱۳۷۷. ۲۲ پاورقی و همچنین با همین مضمون: باب ولایت: ۲۹۱ / عرفان ایران: ۷/۷۶

^{۴۷} ولایت نامه ولایت نامه: ۲۳۵ ولایت نامه [چاپ سنگی] / سلطانمحمد بن حیدر محمدبن سلطان محمد نعمة الهی: کاتب مقدمه: اسمعیل الدزفول مولدأ طهران مسکنأ: کاتب: داود گلپایگانی. - سلطانعلیشاه، سلطانمحمد بن حیدر، ۱۲۵۱ - ۱۳۲۷: ۲۳۵

^{۴۸} ولایت نامه همان ۲۴۳
^{۴۹} صالحیه ۳۴۷، خورشید تابنده: ۴۱ - ۴۲ - ۴۳، نابعه علم و عرفان ۵۹

^{۵۰} دیوان شاه نعمت...ولی: ۴۹۴ به بعد
^{۵۱} به مستندات آن اشاره شد
^{۵۲} دیوان شاه نعمت...ولی: ۴۹۴ به بعد
^{۵۳} البته قابل ذکر است این فصلنامه متعلق به فرقه گنابادیه و مطالب آن گویای تصوف گنابادی است نه عرفان ایران

سید مصطفی آزمایش و شهرام پازوکی ، هر دو از اتباع فرقه گنابادیه و نزدیکان مجذوب علیشاه ، خرقه را به حسن بصری می رسانند و آزمایش برای این ادعا مدارک و اسنادی ارائه می دهد^{۵۴} . شهرام پازوکی می نویسد : «معروف پوشیده است خرقه را از داود طایبی اخذ کرده است این طریقه را از او ، و او از حبیب عجمی و او از حسن بصری و او از حضرت امیر المومنین»^{۵۵} . این درست ، اطاعت و تبعیت از بزرگ روسای فرقه گنابادی ملا سلطان است که خرقه فرقه اش را به حسن بصری می رساند . علاوه متقدمین این فرقه نظیر مجذوب علیشاه کیودر آهنگی^{۵۶} و میرزا زین العابدین شیروانی^{۵۷} انتساب روسای فرقه را به حسن بصری می رسانند و مهمتر اینکه انشعابات نعمت ا...یه اعم از: کوثریه^{۵۸} ، شمس العرفاء^{۵۹} و جواد نوربخش^{۶۰} همگی نسبت فرقه و خرقه خویش را به حسن بصری می رسانند .

بررسی مشایخ سلاسل صوفیه

به طور کلی آنجا که بحث تصوف فرقه ای مطرح می شود ، انقطاع سلاسل صوفیه مورد توجه خرقه پوشان فرقه باز قرار می گیرد که ضرورت آن موجب می شود به هر نوع ممکن ثابت کنند با یکی از مشایخ زیر به ائمه علیهم السلام متصل هستند :

حسن بصری از ناحیه علی بن ابیطالب - علیه السلام -^{۶۱} ،

ابراهیم ادهم نیز از حضرت علی بن الحسین - علیه السلام -^{۶۲} ،

با یزید بسطامی از حضرت امام صادق - علیه السلام -^{۶۳}

شقیق بلخی از حضرت امام موسی کاظم - علیه السلام -^{۶۴} ،

معروف بن فیروزان کرخی از امام رضا - علیه السلام -^{۶۵} و

جنید بغدادی از ناحیه امام عصر عجل تعلق فرجه الشریف^{۶۶} مأمور به ارشاد و هدایت خلق بوده اند .

^{۵۴} عرفان ایران : ۴۰/۸

^{۵۵} عرفان ایران : ۶۹/۸

^{۵۶} مراحل السالکین [نسخه خطی] مجدوبعلی شاه مجذوبعلی شاه ، محمدجعفر بن صفر ، ۱۱۷۵ - ق ۱۲۳۸ نسخه خطی آن در سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران : ۱۶۷

^{۵۷} ریاض السیاحه صورت شجره

^{۵۸} قصه عشق پیران از علی فرخی

^{۵۹} تذکره صوفیانی معروفی از عبدالمجید شربیه : ۱۷۹

^{۶۰} پیران طریقت : ۱۱

^{۶۱} تمامی کتبی که درباره فرقه های صوفیه نوشته شده به این موضوع

اشاره کرده اند

^{۶۲} ولایت نامه : ۲۴۰

^{۶۳} مرآت الحق مرآت الحق [نسخه خطی] حاجی محمدجعفر بن حاج صفرخان همدانی قرگوزلو ف ۲۲۸۰ در سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران نسخه خطی موجود است : ۱۲۰

^{۶۴} ولایت نامه : ولایت نامه : ۲۳۵ ولایت نامه [چاپ سنگی] /سلطانمحمد بن حیدر محمدبن سلطانمحمد نعمة اللهی : کاتب مقدمه : اسمعیل الدزفول مولداً طهران مسکناً : کاتب : داود گلپایگانی . - سلطانعلیشاه ، سلطانمحمد بن حیدر ، ۱۲۵۱ - ۱۳۲۷ . ۲۴۰

^{۶۵} رهبران طریقت و عرفان ، داستان عشق پیران ، پیران طریقت ، تذکره الاولیاء

^{۶۶} خورشید تابنده : ۴۲ ، رساله باب ولایت از جذبی : ۳۲۶ قه ی نعمة ا...ی منسوب به اوست و هنوز هم در ایران این دسته از صوفیان فرقه مهمی محسوب میشوند .

✓ معروف کرخی کیست؟

محمد باقر سلطانی، پسر کوچک ملاسلطان، می‌گوید: در سال ۲۰۰ هجری عده‌ای از شیعیان خراسان به مقصد زیارت و تشریف به محضر امام رضا علیه السلام بر در خانه آن حضرت جمع شدند و پس از اخذ اجازه شرفیابی از کثرت شکر و ولع به حالت هجوم وارد منزل شدند. جناب معروف که در آن زمان پیرمرد ضعیفی بود، بر اثر ازدحام جمعیت دچار شکستگی پهلو گردید و رحلت نمود. مدفن او در بغداد است.^{۶۷} اولین کسی که افسانه معروف کرخی را درست کرد، ابو عبدالرحمن سلمی صوفی صاحب کتاب *طبقات الصوفیه* است.

وی می‌گوید: معروف، در ۸ سالگی به دست امام علیه السلام مسلمان شد و پدر و مادرش مجوس بودند.

ملا علی گنابادی می‌گوید: معروف در ۸ سالگی به دست امام علیه السلام مسلمان شد و در حال دربنائی کردن برای امام علیه السلام در سال ۲۰۰ هجری فوت کرد.

امام رضا علیه السلام در ۱۴۸ یا ۱۵۳ متولد شده اگر ۵۳ بگیریم معروف ۴۷ ساله می‌شود (اگر در ۸ سالگی مسلمان شده و در ۲۰۰ فوت کند) پس چطور در سن پیری در دربنائی امام فوت نموده است.

نعمت ا... ولی در مورد معروف کرخی می‌گوید:

کفر بگذاشت نور ایمان یافت

او ز مولا جواز احسان یافت

بود در بیان درگهش ده سال^{۶۸}

یافت در خدمت امام مجال

علامه هاشم الحسنی می‌نویسد: در تاریخ شخصی به نام معروف بن فیروزان کرخی نیست.^{۶۹}

این‌ها این اسم را از نام معروف بن خربوزان کرخی که از اصحاب امام صادق علیه السلام، کاظم علیه السلام و رضا علیه السلام بوده است، کپی کرده‌اند.

بعدها سلطان حسین تابنده که متوجه اشکالات این نظریه شد، سعی کرد تا این معروف را همان معروف بن خربوزان کرخی معرفی نماید. وی می‌گوید:

شیخ معروف خدمت حضرت صادق علیه السلام و کاظم علیه السلام و رضا علیه السلام رسیده و از طرف حضرت رضا علیه السلام مأمور به دعوت ولایتی بوده است.^{۷۰}

حال باید حرف کدام یک را باور کرد؟

○ اشکالات اساسی

معروف کرخی زودتر از امام علیه السلام از دنیا رفته است؛ یعنی امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۲ و معروف در سال ۲۰۰ فوت شده است و چطور می‌شود که کسی بعد از امام علیه السلام قطب باشد و خودش زودتر از امام از دنیا برود.

اگر معروف قطب باشد، چگونه می‌توان پذیرفت که در یک زمان با وجود امام علیه السلام، قطب دیگری باشد.

^{۶۷} . ر.ک: رهبران طریقت و عرفان.

^{۶۸} . *طرائق الحقائق*، طرائق الحقائق، ج ۲، ص ۴۵۸. ذکره طرائق الحقایق [چاپ سنگی] معصومعلی شاه نعمه الهی الشیرازی‌کاتب عبدالجواد النیشابور معصوم علیشاه، محمد معصوم بن زین العابدین، ۱۲۷۰ - ۱۳۴۴ ق ج ۲، ص ۴۵۸.

^{۶۹} . ر.ک: *تصوف و تشیع*.

^{۷۰} . *نابغه علم و عرفان*، ص ۵۹.

اگر برفرض قبول کنیم که معروف بعد از امام رضا علیه السلام هم بوده است، پس تکلیف امام جواد و هادی و عسگری علیهم السلام چه می شود؟

برخی در جواب این اشکال می گویند: از این جا به بعد امامت به دو قسم تقسیم می شود: امامت طریقت و امامت شریعت؛ یعنی از امام رضا علیه السلام به بعد، ائمه فقط امام شریعت بوده اند و کارشان بیان احکام شرعی بوده است و امامت طریقت و عرفان و اخلاق، به معروف و اقطاب بعد از او رسیده است.

در جواب این اشکال آقایان عدول کرده اند و گفته اند که معروف شیخ مجاز بوده و قطب نبوده است.

حال این سؤال پیش می آید که اگر معروف شیخ بوده، پس چرا سلسله خود را به امام رضا علیه السلام می رسانید و نه به امام زمان (.) نمی رسانید.

همچنین اگر معروف شیخ است، چطور یک شیخ مجاز می تواند قطب مشخص کند و سری سقطی را به قطبیت برگزیند و اگر سری قطب نیست، چگونه می شود او جنید بغدادی را به قطبیت معرفی کند.

از این گذشته، در زمان حیات امام علیه السلام چگونه می توان پذیرفت که معروف به سری حکم بدهد؟

✓ اشکال دیگر بر سلسله سند

اشکال دیگر بر سلسله سند این ها است که اگر جنید بغدادی قطب شده است، پس امام زمان عجل... تعالی فرجه الشریف چه وضعیتی خواهد داشت؟ آیا می شود قائل شد که دو قطب در یک زمان باشند؟

سلطان حسین تابنده گنابادی در چاپ ۸۴ کتاب نابغه علم و عرفان می گوید: شیخ جنید از طرف امام حسن عسکری علیه السلام مجاز در دعوت بود و در زمان امام زمان عجل... تعالی فرجه الشریف آن سمت را داشت؛ ولی بیعت و تربیت او توسط شیخ سری سقطی بود.^{۷۱}

ملا علی گنابادی می گوید: جنید پس از رحلت امام عسکری علیه السلام و غیبت، حیات داشت. لهذا قطب ظاهر گشت و وکلای اربعه خلافت نداشتند؛ بلکه سفارت بود و دستگیری نمی کردند.^{۷۲}

به گمان ملا علی، اولین قطب، جنید است. حال سؤال این است که حکم ولایت او کجا است؟ قطب بعدی را قطب قبلی دعوت می کند و ظهور و غیبت امام علیه السلام تفاوت ندارد و در هر حال، امام علیه السلام است. اگر جنید قطب است، پس امام علیه السلام چه کاره است؟

این ها این همه داستان بافته اند و سعی کرده اند سلسله خود را به امام رضا علیه السلام برسانند.

حال برای این که میزان دروغ گویی آنان مشخص شود، شعری از نعمت... ولی می آوریم تا ببینیم این ها تا چه اندازه راست می گویند و آیا اصلاً سلسله این ها به امام رضا علیه السلام می رسد یا نه؟

نعمت... ولی می گوید:

شیخ ما کامل و مکمل بود قطب وقت و امام عادل بود

گاه ارشاد چون سخن گفتی در توحید را نکو سفتی

یافعی* بود نام عبد... رهبر رهروان آن درگاه

صالح بربری روحانی شیخ شیخ من است تا دانی

پیر او هم کمال کوفی بود کز کمالتش بسی کمال افزود

باز باشد ابوالفتوح سعید* که سعید است آن سعید شهید

^{۷۱} . نابغه علم و عرفان، ص .
^{۷۲} . صالحیه، ص ۳۴۸.

از ابي مدین او عنایت یافت	به کمال از ولي ولايت یافت
مغربي بود و مشرقي به صفا	آفتابي تمام مهسيما
شيخ ابي مدین است شيخ سعید	که نظيرش نبود در توحيد
ديگر آن عارف ودود بود	کنيت او ابو سعود* بود
بود در اندلس ورا مسکن	بس کرم کرد روح او با من
پير او بود هم ابوالبرکات*	به کمال و جمال و ذات و صفات
باز ابولفضل بود بغدادی*	افضل فاضلان به استادی
شيخ او احمد غزالی* بود	مظهر جامع کمالی بود
خرقه‌اش پاره بود او بکر است	زان‌که نساج او ابوبکر است
باز شيخ بزرگ ابوعثمان	که نظيرش نبود در عرفان
مظهر لطف حضرت واهب	بندگی ابوعلی کاتب
شيخ او شيخ کاملش دانند	بوعلی رودباريش خوانند
شيخ او هم جنید بغدادی*	مصر معنی دمشق دلشادی
شيخ او خال سري سقطی	محرم حال او سري سقطی
باز شيخ سري بود معروف	چون سري سرّ او به او مکشوف ^{۷۳}

از این‌جا به بعد ببینید آیا نعمت... سلسله خود را به امام رضا علیه السلام می‌رساند یا این که بعداً صوفیان چنین چیزی را اضافه نموده‌اند.

شيخ معروف را نکو میدان	شيخ داوود طائيش میخوان
اوزموسی جواز احسان یافت	کفر بگذاشت نور ایمان یافت
پير او هم حبيب محبوب است	عجمی طالب است و مطلوب است
پير بصري ابولحسن باشد	شيخ شيخان انجمن باشد
یافت او صحبت علي ولي	گشت منظور بندگی علي
خرقه او هم از رسول خداست	این چنین خرقه‌ای لطیف کراست ^{۷۴}

مشکل دیگری که هست سنی بودن سر سلسله های این فرقه است. به همین جهت، به دو طریق این مشکل را توجیه نموده‌اند: ۱. تقیه؛ ۲. اول سنی بودند، بعد شیعه شدند.

اما این دو توجیه نیز ناصحیح است چون نعمت ا... پایگاهش در ایران بوده و علمای زمان او در سایر بلاد تقیه نمی کردند او چگونه تقیه می کرده است در مورد شیعه شدن نعمت ا... هم دلیلی نداریم و هرچه از او یافت شده دال بر سنی بودن او است که در ادامه خواهد آمد.

^{۷۳} * از مشایخ معروف اهل سنت به حساب می آیند
^{۷۴} . دیوان شاه نعمت... ولی، مثنوی، ۷۱، ص ۶۶۱.

فرقه‌ای مثل گنابادیه نسبت به برخی از افراد مثل حسن بصری و برخی دیگر از سران تصوف، خود را بی قید نشان داده‌اند و سعی کرده‌اند در سلسل خود اسمی از حسن بصری نیاورند.

عمده‌ترین توجیه برای شیعه نشان دادن آن‌ها، تقیه کردن آنان است.

فصلنامه عرفان ایران که ارگان رسمی نعمت ا...ی گنابادی است، به سرپرستی صوفی مصطفی آزمایش نوشته است:

صوفیه در زمان امامان بزرگوار، شاگردی و تقیه به شیوه ائمه معصومین را داشتند.^{۷۵}

در جایی دیگر برای رفع این شبهه می‌نویسند:

چندان در بند اظهار تشیع معنوی خود نبودند و به اقتضای مولد (محل تولد) و اجتماع محل رشد خود، بالطبع به یکی از مذاهب فقهی اهل سنت عمل کرده‌اند.^{۷۶}

حتی این‌ها برای حل این مشکل، تعریف جدیدی از شیعه و سنی ارائه داده‌اند؛ چنان که دکتر مصطفی آزمایش از بزرگان فرقه گنابادی در اروپا می‌گوید:

سني كسي است كه پيرو رسول خدا بوده و از دو زياده‌روي بر كنار باشد؛ نه دشمن علي و اولاد او باشد و نه دشمن خلفاي راشدين (ابابكر، عمر و عثمان). به اين ترتيب كسي كه از خلفاي راشدين بدگويي كند، رافضي است و كسي كه با علي عليه السلام مخالفت كند، خارجي است. كسي كه به خلفاي راشدين و به آل رسول ا... احترام گذارد و حرمت آنان را مراعات نمايد و سنت رسول خدا را نيز پاسدار باشد، سني محسوب مي‌شود. به اين اعتبار است كه بسياري از بزرگان تصوف و عرفان مانند سنائي، مولانا، عطار و شاه نعمت ا...ولي، خود را سني خوانده‌اند.^{۷۷} در پاورقی فصل چهارم صفحه ی ۷۰ مطالبی در مورد تولی و تبری در رد این مطلب آورده شده است.

دکتر نور علی تابنده، قطب این فرقه در کمال تعجب می‌گوید: خلافت، حق علی نبود؛ حق ملت بود و وظیفه علی؛ یعنی ما مسلمین حق داشتیم که بعد از پیغمبر به عنوان جانشین او خلیفه‌ای مثل علی داشته باشیم.

او با زیرکی تمام، خلافت راحق مردم می‌داند و می‌خواهد بگوید خود مردم نخواستند این حق را به علی علیه السلام بدهند و وظیفه از دوش ایشان ساقط شد. او نمی‌گوید این‌ها خلافت را غصب کردند.

خواجه عبدا...انصاری می‌گوید:

از میان دو هزار صوفی که شناخته‌ام، تنها دو نفر از آن‌ها مذهب رافضی داشتند.^{۷۸}

نویسندگانی از خود صوفیه هم مثل اسد ا...خاوری و دکتر نصر، سعی در اعتراف به این نکته دارند که تصوف سابقه سنی‌گری دارد و با دادن لقب شیخ شهید به نجم الدین کبری سعی کردند او را شیعه جلوه دهند که این ادعا فاقد مدرک است.

دکتر تابنده می‌گوید: هر کس امامت حضرت علی علیه السلام را قبول داشته باشد، از نظر ما شیعه محسوب می‌شود و اگر رد کند، سنی محسوب می‌شود.

این جنید که به ادعای همه علمای سنی از اهل سنت است، از طرف امام قطب می‌شود! و هیچ کس جز صفی علیشاه در صد ساله اخیر ادعای شیعه بودن جنید را نکرده است!

دلایل بر انقطاع سلسل صوفیه بسیار است و تمام کسانی که در سلسله سند ها مشایخ اهل تسنن آمده اند دلیلی بر جعلی بودن این فرقه ها به حساب می آیند اما به علت طولانی شدن بحث در این نوشتار با ذکر دو حدیث در مورد تصوف این بحث را تمام می کنیم لازم به ذکر است در روایات اسلامی نقد های تند و شدیدی نسبت به صوفیه شده است. امام رضا علیه السلام : کسی که نزد

^{۷۵} . فصلنامه عرفان ایران، ش ۳، ص ۱۰۸.

^{۷۶} . همان، ش ۱۰، ص ۸۳.

^{۷۷} . مجموعه مقالات درباره شاه نعمت ا...ولي، ص ۴۹.

^{۷۸} . تصوف و تشیع، ص ۱۱۳.

او صوفیه ذکر شود و آنها را به زبان و به دل انکار نکند از ما نیست ، و کسی که آنها را انکار کند گویا با رسول خدا صل ...
علیه و آله و سلم قیام کرده است.^{۷۹}

امام علي النقي عليه السلام صوفیان نصاري و مجوس این امت هستند^{۸۰}

^{۷۹} مستدرک الوسائل مستدرک الوسائل نرم افزار جامع فقه اهل البيت
نورج ۱۲ ص ۲۲۳
^{۸۰} حدیقه الشیعه حدیقه الشیعه ص ۶۰۲ مقدس اردبیلی
حدیقه الشیعه [نسخه خطی] / احمد بن محمد مقدس اردبیلی مقدس اردبیلی ، احمد
بم علی ، - ۹۹۳ق. در سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران نسخه
خطی موجود است ص ۶۰۲

سنی بودن نعمت... ولی

مهم ترین استادی که برای نعمت... ذکر می کنند و خود نیز او را بسیار ستوده است، شیخ عبدا... یافعی بوده است. شاه نعمت... در سن 24 سالگی در مکه مکرمه به مدت 7 سال از شخص مزبور کسب علم نموده است. و خود در این مورد می گوید:

بود روح القدس وی را همدم

سینه اش بود مخزن الاسرار

دردش بود گنج حق مدغم

و در نهایت چون همراه این استاد خویش طی مراحل عرفانی نمود، شیخ یافعی او را مقام خلافت خویش داد و خرقة اش بخشید و به ارشاد گماشت⁸¹ در مورد مذهب نعمت... باید یادآور شد که او به گواه اشعار فراوانی که خود سروده و نیز همراهی با استاد خویش شیخ عبدا... یافعی، از اهل سنت بوده است، که به پاره ای از این دلایل اشاره می شود:

- 1- به تصریح خود نعمت... ولی، سلسله مشایخ وی و خرقة او به شیخ احمد غزالی و حسن بصری می رسد که تمامی مورخان و صاحبان تراجم آنان را سنی می دانند⁸².
- 2- شیخ عبدا... یافعی که او را استاد اقیاد حنفی و شافعی شمرده اند در میان اهل سنت از تکریم فراوانی برخوردار است و امکان ندارد که مریدی صادق و عاشق مثل نعمت... ولی با استاد خویش هم مرام نباشد با اینکه با القاب و عناوین بزرگی او را ستوده است⁸³.
- 3- اشعاری که بر تسنن خود تصریح کرده است: مثلاً او در دوستاری خلفاء را شدین چنین گفته است.

چهار یار رسولند دوستان خدا

به دوستی یکی دوست دارشان هر چار⁸⁴

ره سنی گزین که مذهب ماست

ورنه گم گشته ای و در خللی⁸⁵

هم چنین در رساله مراتب الالهیه می گوید: از نبی بر چهار رکن نبوت که ابوبکر و عمر و عثمان و امیرالمؤمنین علی است، ابوبکر صورت قلب است و عمر صورت عقل و عثمان صورت روح و علی صورت نفس و از ایشان بر چهار امام که ایشان چهار رکنند از ارکان الهی و آن، مالک است و احمد و ابو حنیفه و شافعی⁸⁶

⁸¹ دیوان شاه نعمت... ولی، ص. 370

⁸² حمید فرزام، نشریه دانشکده ادبیات اصفهان، مقاله: اختلاف جامی با شاه

ولی، 1342، ش 2، ص

⁸³ السُّبُکی، طبقات الشافعیه، مصر، 1324 هـ. ق، ج 6، ص. 103

طبقات الشافعیه الکبری/ لتاج الدین ابی نصر عبدالوهاب بن علی بن عبدالکافی السبکی؛ تحقیق محمود محمد الطناحی، عبدالفتاح محمد الحلو. سبکی، عبدالوهاب بن علی، 727 - 771 ق. هـ. ق، ج 6، ص. 103

⁸⁴ دیوان، ص. 321

⁸⁵ دیوان، ص. 550

او در باب حقانیت مذهب تسنن و برتری آن بر سایر مذاهب می گوید: نزد ارباب بصائر مقرر است که اقرب طرق و انور سبل، طریق اهل سنت و جماعت است ...

امام حق بعد از رسول صلی ... علیه وآله وسلم امیر المؤمنین ابابکر است^{۸۷}

البته گفتنی است نعمت ... همچنان به حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام و اولاد آن حضرت هم ابراز ارادت نموده و از آنان به نیکی یاد نموده اما چونان شیعیان به امامت آن بزرگواران اعتقادی نداشته است ولی از خوارج که بر حضرت علی شوریدند نیز بیزار است. چنانچه می گوید:

و دمدم دم از ولای مرتضی باید زدن

دلت دل در دامن آل عبا باید زدن^{۸۸}

ظاهراً در زمان حیات شاه نعمت ... نیز مذهب او مورد تردید و پرسش معاصرانش قرار می گرفته است. چنانچه با لحن تند در جواب این سؤالات چنین گفته است:

ای که هستی محب آل علی مومن کاملی و بی بدلی

ره سنی گزین که مذهب ما است ورنه گم گشته ای و در خللی

رافضی کیست دشمن بوبکر خارجی کیست دشمنان علی

هر که او هر چهار دارد دوست امت پاک مذهب است و ولی

دوستدار صاحبه ام بتمام یار سنی و خصم معتزلی

مذهب جامع از خدا دارم این هدایت بود مرا ازلی

نعمت ... هم و ز آل رسول چاکر خواجه ام خفی و جلی^{۸۹}

پرسند ز من چه کیش داری ای بیخبران چه کیش دارم

از شافعی و ابو حنیفه آئینه خویش پیش دارم

ایشان همه بر طریق جند من مذهب جد خویش دارم

در علم نبوت و ولایت از جمله کمال بیش دارم^{۹۰}

حمید فرزام^{۹۱} می نویسد: در همان نسخه خطی کتاب رسائل شاه نعمت ... شمس العرفاء در ص 86 و 87 نسخه چاپی این رساله در پاسخ به پرسش مالخله؟ دوستی چیست؟ پس از شرح عارفانه درباره خلّه از قول رسول خدا صلی ... علیه و آله درباره ابوبکر به مناسبت چنین روایت شده: قال رسول ... صلی ... علیه و آله: لو كنت متخذاً خليلاً لاتخذت ابابكر خليلاً اگر دوستی برای خود انتخاب می کردم حتماً ابوبکر بود بعد این شعر را سروده:

^{۸۶} رسایل شاه نعمت ... ولی، به مساعی عبدالحسین ذوالریاستین،

مطبعه ارمغان، 1311، ص. 90

^{۸۷} فرزام، حمید، پیشین، ص. 596

^{۸۸} (دیوان نعمت ... ولی با مقدمه سعید نفیسی انتشارات باران

قصاید ص ۲۷).

^{۸۹} دیوان کامل شاه نعمت ... ولی با مقدمه محمد عباسی انتشارات

کتابفروشی فخررازی ص 567

^{۹۰} دیوان کامل شاه نعمت ... ولی با مقدمه محمد عباسی انتشارات کتابفروشی

فخررازی ص 611

^{۹۱} نقد آثار و افکار شاه نعمت ... ولی، فرزام، حمید، تحقیق در

احوال و تهران، سروش، چاپ اول ص 593-594

او حبیب ا... و خلیل خداست منصب و جاهش از همه اعلاست

و باز حمید فرزام می گوید^{۹۲}: در رساله فضائل صحابه که در دو نسخه خطی متعلق به کتابخانه های ملک و ملی جزو رسائل شاه ولی آمده این احادیث درباره خلفای اربعه از حضرت رسول صلی... علیه و آله نقل گردیده است لوکننت متخذاً خلیلاً لاتخذت ابابکر خلیلاً و لکنه اخی و صاحبی و قد اتخذ... صاحبکم و صاحبی خلیلاً اگر دوستی برای خود انتخاب می کردم ابوبکر بود و لکن او برادر من و همراه من است و خدا همراه شما و همراه من ابوبکر را دوست خود قرار داده است .

نعمت... ولی در این روایت جعلی، ابوبکر را برادر پیامبر نامیده است و علی علیه السلام که برادر پیامبر اکرم به حساب می آید را کنار گذارده است^{۹۳} و نیز در همان رساله فضائل صحابه در مورد عمر می گوید: که پیامبر فرمود: لوکان بعدی نبی لکان عمر الخطاب گر بعد از من پیامبری بود همانا عمر می بود^{۹۴}

و در مورد عثمان می گوید: پیامبر فرمودند: لکل نبی رفیق و رفیقی فی الجنه عثمان

هر پیامبری رفیقی دارد و دوست من در بهشت عثمان است^{۹۵} .

استفاده از روایاتی از اهل تسنن که شیعه قبول ندارد

(ج) عن عبد... بن مسعود عن نبی صلی... و سلم قال: لو کننت متخذاً خلیلاً لاتخذت ابابکر خلیلاً و لکنه اخی و صاحبی و قد اتخذ... صاحبکم صاحبی خلیلاً بیت:

صدق صدیق باید ای صادق

تا سوی عاشقی چنان لایق

و عن انس قال: قال رسول... صلی... علیه وسلم: ابوبکر و عمر سیدا کهول اهل الجنه من الاولین و الاخرین....

نعمت یاران رسول فرموده

جان مومن قبول فرموده

و عن طلحه بن عبد... قال: قال رسول... علیه و سلم لعلی انت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی

و عن زید بن ارقم قال: قال رسول... صلی... علیه وسلم من کننت مولاه و فعلی مولاه^{۹۶}

^{۹۲} همان کتاب

^{۹۳} رساله فضائل صحابه نسخه خطی شماره-4662 سال 1109 هـ.ق-نقد احوال و آثار

نعمت... ص 594

^{۹۴} کتاب نقد آثار و احوال شاه نعمت ولی... ولی ص 595

^{۹۵} نقد آثار و افکار شاه نعمت... ولی، فرزام، حمید، تحقیق در

احوال و تهران، سروش، چاپ اول ص-595 فضائل صحابه ص 87-86

^{۹۶} . (نسخه خطی شماره ۴۲۶۲ کتابخانه ملک مورخ به سال ۱۱۰۹ هـ . ق)

(و نسخه خطی شماره ۱۴۶۴ کتابخانه ملی مورخ به سال ۱۱۳۴ هـ . ق)

(و کتاب مسافرت های شاه ولی... تالیف دکتر حمید فرزام اصفهان شهریور ۱۳۴۷ صص ۵۹ و ۶۰ و حواشی آن (منقول از تحقیق در احوال نقد آثار و افکار شاه نعمت... ولی، فرزام، حمید، تحقیق در احوال و تهران، سروش، چاپ اول دکتر حمید فرزام انتشارات سروس ۱۳۷۴ صص ۵-۵۹۴) .

ادعاهای نعمت ا... ولی

ادعای پیشگو بودن

تعیین وقت برای ظهور امام زمان عج... تعالی فرجه الشریف

از برای آن دجال هم با من شنو عیسی آید مهدی آخر زمان پیدا شود
پانصد و هشتاد هجری بود چو این گفتم در هزار و سیصد و هشتاد آن پیدا شود
آگهی شد نعمت ا... شاه راز اسرار غیب گفته او بیگمان بر مردمان پیدا شود

در این اشعار که طبق جستجو در نقد های موجود بر نعمت ا... ولی برای اولین بار نویسنده این متن آن را یافته و نسخه آن همراه تحقیق به موسسه کلام حضرت آیت... العظمی سبحانی حفظه... تعالی ارائه می شود نعمت ا... دست به تعیین وقت برای ظهور زده و خود را مصداق روایات معصومین علیهم السلام که تعیین کنندگان وقت را تکذیب کرده اند^{۹۷} نموده است و برای

^{۹۷} از جمله روایات مشهور شیعه، جمله ای است که در توقیع مبارک امام زمان علیه السلام به اسحاق بن یعقوب وجود دارد و اینگونه به دست ما رسیده است: «أَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى... وَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ» اما ظهور فرج با خداست و تعیین وقت کنندگان دروغ می گویند. [۱] تعیین وقت و هنگام برای زمان ظهور امام عصر (عج) و مختصات یابی آن، امری است که بارها از سوی معصومین از آن نهی شده و حرمت و عدم جواز آن مشهود است. به عنوان نمونه ای دیگر، امام امام صادق علیه السلام می فرماید: «كَذَبَ الْمُؤَقَّتُونَ مَا وَقَّتْنَا فِيمَا مَضَى وَ لَا نُوقِتُ فِيمَا يُسْتَقْبَلُ» وقت گذاران دروغ می گویند. ما (اهل بیت) نه در گذشته، وقت (ظهور) را تعیین کرده ایم و نه در آینده، تعیین وقت خواهیم کرد. [۲]

و یا در روایت دیگری می فرماید: «كَذَبَ الْوَقَاتُونَ. إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ لَا نُوقِتُ» تعیین کنندگان وقت (برای ظهور قائم عج) دروغ می گویند. ما خانواده ای هستیم که (برای آن) وقتی تعیین نمی کنیم اما گاهی برخی با تأملات شخصی و برآیندهای فکری خویش احساس می کنند که با توجه به شواهدی که دارند یا مطالعه کرده اند، می توانند زمان بندی برای ظهور امام عصر (عج) ارائه دهند و به مختصات ضمنی آن اشاره کنند. این نوع حرکات و گفته ها، شاید در برخی موارد آثار سوء و نامطلوبی در بدنه فکری و اندیشه ای مردم داشته باشد و تردیدها به ویژه نسل جوان را مورد هجمه قرار دهد و انتظار را از فرآیند طبیعی خود خارج سازد. بنابراین ضرورت دارد که مواضع روشن و محکمی در قبال هر آنچه در این زمینه با این محوریت گفته می شود، صورت گیرد. امام باقر علیه السلام می فرماید: «مَنْ وَقَّتَ لَكَ مِنَ النَّاسِ شَيْئًا فَلَا تَهَابَنَّ أَنْ تُكَذِّبَهُ فَلَسْنَا نُوقِتُ لِأَحَدٍ وَقْتًا» هر کس برای تو وقت تعیین کرد، بی محابا آن را دروغ بشمار؛ زیرا ما برای هیچ کس، هیچ وقتی تعیین نمی کنیم. [۳] هر کس با هر قصد و غرض و انگیزه ای و در هر جایگاه و منصب و مقامی، اگر به دام توقیت بیافتد و برای ظهور حضرت مهدی عجل... تعالی فرجه الشریف وقت تعیین کند، دروغگو خواهد بود و وظیفه عموم جامعه شیعی، مقابله جدی و تکذیب چنین افرادی است.

- [1]: کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲ ص ۴۸۳ کمال الدین و اتمام النعمة یا "کمال الدین و تمام النعمة" [نسخه خطی] محمد بن علی بن حسین ابن بابویه (م. ۳۸۱)
- [۲]: الغیبه طوسی، ۴۶۰ ق مؤسسة المعارف الإسلامية نرم افزار کلام اسلامی نور، ص ۴۲۶
- [۳]: همان

١٠٨٦- [١] الكافي: محمد بن يحيى، عن سلمة بن الخطاب، عن علي بن حسان، عن عبدالرحمان بن كثير، قال: كنت عند ابي عدا... عليه السلام اذ دخل عليه مهزم، فقال له: جعلت فداك: اخبرني عن هذا الامر الذي ننتظر متي هو؟ فقال: يا مهزم! كذب الوقاتون، و هلك المستعجلون و نجا المسلمون. ١٠٨٧- [٢] - الكافي: عدة من اصحابنا، عن احمد بن محمد بن خالد، عن ابيه، عن القاسم بن محمد، عن علي بن ابي حمزة، عن ابي بصير، عن ابي عدا... عليه السلام، قال: سألته عن القائم عليه السلام، فقال: كذب الوقاتون، انا اهل بيت لانوقت. وقال: احمد باسناده قال: قال: ابي... الا ان يخالف وقت الموقتين.

١٠٨٨- [٣] - اثبات الرجعة او الغيبة: احمد بن محمد و عبيس بن هشام، عن كرام، عن الفضيل، قال: سألت ابا جعفر عليه السلام هل لهذا الامر وقت؟ فقال: كذب الوقاتون، كذب الوقاتون، كذب الوقاتون. ١٠٨٩- [٤] - اثبات الرجعة او الغيبة: الحسين بن يزيد الصحاف، عن منذر الجواز، عن ابي عدا... عليه السلام قال: كذب الموقتون، ما وقتنا فيما مضى، و لا نوقت فيما يستقبل. ١٠٩٠- [٥] - غيبة النعماني: اخبرنا علي بن احمد، عن عبيدا... بن موسى العباس، عن يعقوب بن يزيد، عن محمد بن ابي عمير، عن عدا... بن بكير، عن محمد بن مسلم، يا محمد! من ابرك عنا توقيتاً فلا تهابن ان تكذبه فانا لا نوقت لاحد وقتاً.

١٠٩١- [٦] - غيبة النعماني: اخبرنا ابوسليمان احمد بن هودة، قال: حدثنا ابراهيم بن اسحاق النهاوندي بنهاوند سنة ثلاثة و سبعين و مائتين، قال: حدثنا عدا... بن حماد الانصاري في شهر رمضان سنة تسع و عشرين و مائتين، قال حدثنا عدا... بن سنان، عن ابي عدا... جعفر بن محمد عليهما السلام انه قال، ابي... الا ان يخلف وقت الموقتين. ١٠٩٢- [٧] - غيبة النعماني: حدثنا علي بن احمد، عن عبيدا... بن موسى العلوي، عن محمد بن احمد القلانسي، عن محمد بن علي، علي ابي جميلة، عن ابي بكر الحضرمي، قال: سمعت ابا عدا... عليه السلام يقول: انا لانوقت هذا الامر.

١٠٩٣- [٨] - الهداية: حدثني محمد بن اسماعيل، و لعلي بن عدا... الحسنيان، عن ابي شعيب محمد بن نصير، عن عمر بن الفرات، عن محمد بن المفضل، عن المفضل بن عمر، قال: سألت سيدي ابا عدا... جعفر بن محمد الصادق عليهما السلام: هل للمامول المنتظر المهدي عليه السلام من وقت موقت يعلمه الناس؟ فقال الصادق عليه السلام: حاش لله ان يوقت له وقتاً... الي ان قال: من وقت لمهديننا وقتاً فقد شارك... في علمه... الحديث، و هو طويل.

و يدل عليه ايضاً الاحاديث

پاورقي

[1] الكافي: ج ١ ص ٣٦٨ ك الحجة ب كراهية التوقيت ح ٢؛ الامامة و التبصرة: ص ٩٥ ب النوادر ح ٧ «بسنده عن محمد بن مسلم عن ابي عدا... عليه السلام... مثله» غير انه قال: «كنت عنده» و قال «ننتظره» و في آخره قال: «واليه يصيرون»؛ غيبة الشيخ: ص ٤٢٦ ح ٤١٣ باسناده عن الفضل عن عبدالرحمان نحوه و في آخره: «والينا يصيرون»؛ الاربعين الموسوم بكفاية المهدي: ص ٤٢ ذيل الحديث الثاني؛ غيبة النعماني: ص ٢٩٤ ب ١٦ ح ١١؛ البحار: ج ٥٢ ص ١٠٤ ذيل ح ٧ ب ٢١ (باب التمحيص و النهي عن التوقيت).

[٢] الكافي: ج ١ ص ٣٦٨ ك الحجة ب كراهية التوقيت ح ٣ و ٤؛ غيبة النعماني: ص ٢٩٤ ح ١٢ ب ١٦ و في آخر آخره: «قال: ثم قال: ابي... الا ان يخلف وقت الموقتين».

[٣] الاربعين الموسوم بكفاية المهدي (مخلوط): ص ٤٢ ذيل الحديث الثاني؛ غيبة الشيخ: ص ٤٢٦-٤٢٥ ح ٤١١ باسناده عن الفضل بن شاذان عن احمد بن محمد و عبيس بن هشام؛ البحار: ج ٥٢ ص ١٠٣ ب ٢١ التمحيص و النهي عن التوقيت ح ٥؛ الكافي: ج ١ ص ٣٦٨ ب كراهية التوقيت، مقطع من الحديث

ظهور حضرت مهدی عجل... تعالی فرجه الشریف تعیین وقت در سال ۱۳۸۰ می کند که به تاریخ قمری و شمسی و میلادی کذب و دروغ گویی او معلوم است.

لازم به ذکر است شعر های دیگری به او منتسب است که انتساب این اشعار به نعمت... کاملاً مسجل نیست بلکه در نسخ خطی اشعاری مخالف این اشعار نیز دیده شده است که به سبک پیشگویی های احادیث اهل سنت در آنها نعمت... شعر سروده که در این اشعار تفاوت نگرش شاعر فاحش است

دیگر اینکه کسی که برای ظهور تعیین وقت کند به شهادت خود معصومین کذاب است که در پاورقی قبلاً بعضی از احادیث آن آمد بر فرض قبول ادعای پیشگویی، پیشگویی دلیل بر کرامت نفس فرد نیست و افراد از طرق نامشروع نیز می توانند به آن دست یابند

در احادیث اهل سنت و شیعه^{۹۸} و تفاسیر آیات قرآن^{۹۹} نیز خیلی از این پیشگوئیهها آمده که نعمت... می توانسته آنها را از سند هایی که هم اکنون نیز موجود است برداشت کرده و به شعر در آورده باشد و سوال اینجاست که چرا سند این اشعار را به اطرافیان نگفته و آنها را بخود نسبت داده است؟

ادعای ولی کامل بودن، ادعای رسالت، ادعای علم لدنی داشتن

نعمت... رسید تا جایی

که به جز جان اولیا نرسد.^{۱۰۰}

ما خاک راه را به نظر کیمیا کنیم

صدر دل به گوشه چشمی دوا کنیم.¹⁰¹

در مجمع انبیاء حریفیم

سر حلقه جمله اولیاییم¹⁰²

وی دارای عقاید عرفانی خاصی بوده و خودش را شایسته مقام ولایت می دانست.¹⁰³ لذا لقب ولی بر خود نهاده بود و آن را مکرر در دیوان اشعارش نیز آورده است چنانکه می گوید:

الخامس مع اختلاف في السند و جاء فيه: «لهذا الامر»؛ غيبة النعماني: ص ۲۹۴ ح ۱۳ بنفس ما جاء في الكافي.

[۴] غيبة الشيخ: ص ۴۲۶ ح ۴۱۲؛ الاربعين الموسوم بكافية المهدي في معرفة المهدي عليه السلام: ذيل الحديث الثاني ص ۴۳ و ذكر ان ابن شاذان روي هذا الحديث بعدة اسانيد؛ البحار: ۵۲ ص ۱۰۳ ب ۲۱ ح ۶.

[۵] : غيبة النعماني. محمد بن ابراهيم نعماني قرن چهارم نشر صدوق نرم افزار كلام اسلامي نور

ص ۲۸۹ ب ۱۶ ح ۳؛ البحار: ج ۵۲ ص ۱۰۴ ب ۲۱ ح ۸.

[۶] غيبة النعماني؛ همان، ص ۲۸۹ ب ۱۶ ح ۴.

[۷] غيبة النعماني: ص ۲۸۹ ب ۱۶ ح ۵.

[۸] الهداية: باب الامام الثاني عشر؛ النوادر: ص ۱۷۳ - ۱۷۲ ب

التمحيص و النهي عن التوقيت؛ الصراط المستقيم: ج ۲ ص ۲۵۸ - ۲۵۷؛ ۱۱؛

اثبات الهداة: ج ۷ ص ۱۵۶ ب ۳۲ ف ۵۵ ح ۷۴۰؛ حلية الابرار: ج ۲ ص ۶۵۲ ب ۴۷ من حديث طويل.

^{۹۸} می توان به احادیث رجل قم اشاره کرد که در صحیح مسلم و... از اهل سنت و کافی و بحار و... از کتب شیعه آمده است

^{۹۹} می توان به آیات ۳ بعد سورع اسراء و... اشاره کرد

^{۱۰۰} همان، ص. 282

^{۱۰۱} همان، ص. 436

^{۱۰۲} همان، ص. 432

نعمت... ماست پیر و ولی.¹⁰⁴

از دیگر سویی برخی محققین عقیده دارند که از آن جهت که بعضی از بزرگان صوفیه برای خود سلطنت و حکومت ظاهری و باطنی نسبت به پیروانشان قائل بوده اند از این رو به آخر و اول اسم خود کلمه شاه را اضافه کرده اند همانند شاه نعمت ا... و یا نور علیشاه و امثال آن.¹⁰⁵ همانگونه که خود شاه نعمت ا... تصریح کرده است.

بنده حضرت خداوندم

همانگونه که خود شاه هزار سلطانم.¹⁰⁶

^{۱۰۲} رساله تفسیر لاله الا... جزو رسائل شاه نعمت ا... ولی، تهران، انتشارات خانقاه نعمت ا... ی، 1343، ج 4، ص 88.

^{۱۰۴} دیوان شاه نعمت ا... ولی، به اهتمام محمود علمی، تهران، 1328، ص 549.

^{۱۰۵} بدیع الزمان فروزانفر، رساله در تحقیق احوال و زندگانی مولانا جلال الدین بلخی، تهران، 1315، ص 3 - 2.

^{۱۰۶} همان، دیوان شاه نعمت ا... ولی، ص 398.

جمع بندی

در این فصل به اثبات رسید اینکه بعضی از مخالفان خواسته اند مشایخ نعمت ... را به ائمه علیهم السلام برسانند ادعایشان از انقطاع سلسله مشایخ خالی نیست و معنعن به امام نمی رسد و سلسله مشایخ ادعایشان منقطع است طبق گفته خود او مشایخ نعمت ... ولی به مشایخی می رسد که از اهل سنت بودن آنها آشکار است .

نعمت ... ولی فردی صوفی و سنی مذهب است که از روی تقیه از تشیع، حب علی و آل که اعتقاد خیلی از اهل سنت هم هست را بیان می کرده اما در کتب خود و اشعار به طور قاطعانه سنی بودن خود را اعلام کرده با اینکه از رافضی و ناصبی برائت می جسته اما محبت خلفا و کل صحابه ی بر و فاجر و امیر المومنین علی علیه السلام را طبق اعتقاد اهل تسنن ابراز می داشته و این را حتی در اشعار خود نیز سروده است و بر شیعیان مسجل است که تولی و تبری جزء اعتقادشان است.

نعمت ... ولی پیشگوییهای مطابق احادیث اهل سنت داشته اما اینها را به خود نسبت می داده و دلیلی بر مقامات و ثابت کننده علم الهی داشتن خود ابراز می نموده که در یکی از نسخ خطی او که نویسنده در بین نسخ خطی یافت دست به تعیین وقت برای ظهور زده که هم چون وقات است مصداق گذب الوقتون قرار گرفته و هم اینکه در حال حاضر که سال پیش گویی ظهور او چند سالی گذشته دروغگو بودن او نیز معلوم شده است

ادعا های دیگر او نیز آورده شد مثل ولی کامل بودن و علم لدنی داشتن که بر اهل بصیرت نقض آن پوشیده نیست

مقدمه

بعد از بررسی دیدگاههای مختلف در مورد پلورالیسم و بررسی مطالب بیان شده در مورد نعمت ... ولی در این فصل به بررسی و تطبیق تکثر گرایی در اندیشه نعمت ... ولی پرداخته می شود

پلورالیسم مقبول و نامقبول نزد علمای شیعه که بیان شد، مصادیق آن در اندیشه نعمت ... ولی مورد بررسی قرار می

گیرد و در پایان نتیجه گیری این فصل و جمع بندی کل تحقیق ارائه خواهد شد .

گفتار اول:

پلورالیسم به معنای مقبول علمای شیعه در کلام نعمت اولی

قبلا گفته شد که از مصادیق معنای مقبول پلورالیسم نزد علمای شیعه پلورالیسم به معنای پلورالیسم طولی و پلورالیسم در اصول و فقه تشیع و پلورالیسم به معنای مدارا با ادعای حقانیت برای عقیده خود و تكثر در فهم حقیقت غایی بمعنای مرتبه داشتن درجات فهم با حفظ ادعای حقیقت مطابقت برای حق را می توان نام برد. ولی هیکدام از این معانی در کلام نعمت اولی... راه ندارد، چون چنانکه گذشت او یک سنی صوفی است و در گفتار دوم همین فصل خواهد آمد که از پلورالیسم به معنای نامقبول آن بسیار در اندیشه او یافت می شود.

تکثر گرایی به معنای نامقبول علمای شیعه در کلام نعمت ا... ولی

در فصل دوم آمد که برای مصادیق نامقبول پلورالیسم به پلورالیسم به معنای پلورالیسم عرضی، پلورالیسم در اصول و فقه اهل تسنن و پلورالیسم به معنای مدارا بدون ادعای حقانیت برای عقیده، تکثر در فهم حقیقت غایی بمعنای همه حقند، یا حق امری نسبی است و پلورالیسم دینی بر پایه ی پوزیتیویسم، پلورالیسم به معنای بهره مندی یکسان ادیان از حق و باطل و پلورالیسم به معنای ادیان همگی راه هایی به سوی حق هستند، می توان اشاره کرد که در کلام نعمت ا... ولی از این مصداق نامقبول کاربرد پلورالیسم مطالب زیادی یافت می شود.

تکثر گرایی با تفیک شیعه و رافضی و درست کردن مذ هب جامع

نعمت ا... ولی در بعضی از اشعار با برداشت صوفیانه خودش اقرار به ولایت اهل بیت علیهم السلام می کند مانند اشعاری که در ذیل می آید، ولی در دیگر اشعار این رویکرد را بانگاه پلورالیستی و نسبی نگری تغییر داده که در ادامه می آید.

هر که ز اهل خداست تابع آل عباس است
منکر آل رسول دشمن دین خداست
دوستی خاندان درد دلم را دواست
جان علی ولی در حرم کبریاست
صورت او هل اتی معنی او انما است
باب حسین و حسن ابن عم مصطفی است
پیروی او بود دین حق و راه راست
سلطنت لافتی غیر علی خود که راست
مشهد پاک نجف روضه رضوان ماست
یکسر موی علی هر دو جهانش بهاست
لحمک لحمی و راست همدم او مصطفاست
هر که موالی بود خویش من و آشناست
آیت او انما است آن که ولی خداست
آن که ولی خداست آیت او انماست
مدعی این طریق رهرو راه خطاست
بنده درگاه او سید هر دو سراسر است^{۱۰۷}

^{۱۰۷} . (دیوان شاه نعمت ا... ولی غزل ۱۸۵ صص ۵-۱۰۴) .

از مذهب و دین ما چه پرسى
آن است که رای ما بر آن است.^{۱۰۸}
نقشی که خیال غیر بندد
در مذهب ما همه مناهی است.^{۱۰۹}
در ابیات زیر نعمت ا... ولی از مذهب اهل بیت علیهم
السلام که قبلا مدعی آن بود عدول کرده و پیروان مکتب اهل
بیت را دعوت به مذهب اهل تسنن می نماید و حتی پا را
فراتر گذارده شیعیان اثنی عشری و اعتقادات آنها را به
عنوان رافضی و خارج از دین خطاب می نماید
ای که هستی محب آل علی
مومن کاملی و بی بدلی
ره سنی گزین که مذهب ماست
ورنه گمگشته ای و در خللی
رافضی کیست دشمن بوبکر
خارجی کیست؟ دشمنان علی
هرکه او هر چهار دارد دوست
امت پاک مذهب است و ولی
دوستدار صحابه ام به تمام
یار سنی و خصم معتزلی
ره سنی گزین که مذهب ماست
ورنه گمگشته ای و در خللی
نعمت ا... ولی با ابداء مذهب جمع رویکرد پلورالیستی
خود را گسترش داده و می گوید:
مذهب جامع از خدا دارم
این هدایت مرا بود ازلی.^{۱۱۰}
رافضی نیستم ولی هستم
مومن پاک خصم معتزلی.^{۱۱۱}
به حق آل محمد به نور پاک علی
که کس نبی نشده تا نگشته است ولی
ولی بود به ولایت کسی که تابع اوست
موالیانه طلب کن ولی ولای علی
به هرچه می نگریم نور اوست در نظرم
تو میل مذهب ما کن مباش معتزلی.^{۱۱۲}
نعمت ا... ولی که نزد علمای اهل تسنن تحصیل نموده
برای آنچه که طرفدارانش جمع بین عقاید موجود و منزه
کردن از ناخالصی ها می دانند، به یک مرزبندی قاطع با
روافض در جامعه شیعه و با خارجیان و معتزله از میان
طوایف اهل تسنن دست می زند و از آنها تبری می جوید و
خود را پیرو مذهبی می داند که آن را مذهب جامع می داند

^{۱۰۸} . (همان غزل ۲۳۷ ص ۱۲۳)

^{۱۰۹} . (همان غزل ۲۸۹ ص ۱۴۰).

^{۱۱۰} . (دیوان شاه نعمت ا... ولی غزل ۱۵۲۵ ص ۵۸۱).

^{۱۱۱} . (همان غزل ۱۵۲۳ ص ۵۸۰).

^{۱۱۲} . (دیوان شاه نعمت ا... غزل ۱۵۲۲ ص ۵۸۰).

!! مذهبی که در زیر آن همه مسلمانان می توانند جمع شوند و معاندان و معارضان با اهل بیت علیهم السلام به قرآن و عترت پیغمبر اعتصام جویند و در دیوانش می گوید: " مذهب جامع از خدا دارم" برای روشن شدن این مذهبی که نعمت... ولی ساخته، در رساله نصیحتنامه که برای تعلیمات ویژه به فرزندش و جانشینش خلیل... نگاشته می نویسد: (نصیحت: موحّد به توحید جامع باش. بیت: همه را جمع کن یکی گردان اسم جامع زهر یکی بر خوان.^{۱۱۳} در جای دیگر به فرزندش می گوید: و تابع سنت سنیه حضرت محمدی می باش.^{۱۱۴}

و در رساله تحقیق السلام می گوید (نزد ارباب بصائر مقرر است که اقرب طرق و انور سبل طریق اهل سنت و جماعت است بیت: این است طریق آشنایی ره رو تو اگر رفیق مایی

و باید که از مذاهب باطله که اهل حق بر ابطال آن متفقند، احتراز نمایی... قدری بی قدر و معتزله معزوله...)^{۱۱۵}

^{۱۱۳} . (رسائل حضرت سید نور الدین شاه نعمت... ولی ج ۱ رساله نصیحت نامه سید خلیل... (ولده) ص ۳۸۹) .
^{۱۱۴} . (همان ج ۱ رساله نصیحت نامه سید خلیل الخ ولده ص ۳۹۰) .
^{۱۱۵} . (رساله تحقیق اسلام جزو مجموعه خطی رسایل شاه نعمت... ولی شماره ۴۲۶۲ متعلق به کتابخانه ملک شماره ۹۴) (منقول از تحقیق در احوال و نقد آثار و افکار شاه نعمت... ولی صص ۷-۵۹۶) .
برای مطالعه بیشتر
حضرت آیت... علی ربانی گلپایگانی در کتاب فرق و مذاهب کلامی ص ۴۰۸ در مور رافضه می فرمایند:
رافضه از کلمه (رفض) گرفته شده است که به معنی ترک است. و در اصطلاح بر همه فرقه های شیعه و گاهی بر گروه خاصی از آنان و گاهی نیز بر کسانی که محبت خاندان پیامبر را ابراز می کنند اطلاق می شود.
ابو الحسن اشعری گفته است: دومین گروه از شیعه رافضیان یا امامیه اند که به خاطر انکار خلافت ابوبکر و عمر از سوی اهل سنت بدین نام شهرت یافته اند همگی بر این باور استوارند که پیامبر بر خلافت علی بن ابی طالب به نص روشن اقرار فرموده و نیت خویش را آشکار ساخته است پس از رحلت او بیشتر صحابه از اطاعت فرمان او سرباز زدند و به گمراهی افتادند.
همانگونه که ملاحظه می شود اشعری رافضه را گروهی از شیعیان امامیه دانسته است ولی اسفراینی امامیه را یکی از فرقه های رافضه دانسته و دو فرقه دیگر را کیسانیه و زیدیه بر شمرده است.
از امام شافعی ابیاتی نقل شده که مفاد آن ها این است که هر گاه درباره فضایل علی و فرزندانش سخن به میان آید برخی از آن نهی کرده و آن را سخن رافضیان می دانند. و شهرستانی نظام معتزلی را - که در مسئله امامت طرفدار نظریه نص بوده است - متمایل به رفض دانسته است و آنگاه که فرزندق قصیده معروف خود را در مدح امام سجاد علیه السلام انشا کرد عبد الملک مروان به او گفت آیا تو رافضی هستی؟ در هر حال کسانی که این اصطلاح را بر شیعه یا محبان اهل بیت پیامبر صلی... علیه واله وسلم اطلاق می کنند صد نکوهش آنان را دارند و به عبارت دیگر از نظر آنان این اصطلاح بر خطا و انحراف دلالت می کند. در پیدایش این اصطلاح نقل مشهوری است و آن این است که این اصطلاح در جریان قیام زید بن علی پیدا شد آنگاه که مردم کوفه از او خواستند تا عقیده خود را درباره ابوبکر و

عمر اظهار کند و او از آنها به نیکی یاد کرد و گفت: آنان دو صحابی جدم پیامبر بودند و اکنون نیز قبر آنها در کنار قبر پیامبر قرار دارد و غرض من از قیام علیه بنی امیه گرفتن انتقام جدم حسین بن علی علیهما السلام است در این هنگام مردم کوفه او را رها کردند لذا رافضه نامیده شدند

ولی این نقل مشهور از نظر محققان اعتباری ندارد زیرا ابو الفرج و دیگران این مطلب را درباره قیام زید و شهادت او نقل نکرده اند و تنها یاد آور شده اند که جمع بسیاری از مردم کوفه با او بیعت کردند و سپس او را رها کرده از یاریش دست کشیدند همان گونه پیش از این با علی بن ابی طالب و حسین بن علی و عموی پدرش امام حسن علیهم السلام چنین کردند. گذشته از این شواهد تاریخی گویای این است که اصطلاح رافضه پیش از آن مطرح بوده و بر کسانی که با حکومت وقت مخالفت می کردند اطلاق می شده است خواه شیعه باشند یا غیر شیعه چنان که معاویه این اصطلاح را بر مروان و عده ای دیگر که پس از جنگ جمل نزد او آمده بودند به کار برده و در نامه خود به عمر و عاص نوشته است و قد سقط الینا مروان بن حکم فی رافضه اهل بصره... در احادیثی از امام باقر علیه السلام که سال ها قبل از قیام زید از دنیا رفته است نیز این اصطلاح به چشم می خورد چنان که ابو جارود روایت کرده که فردی به باقر علیه السلام گفت: ما شیعیان را رافضه می نامند امام علیه السلام سه بار به او فرمود: من از رافضه ام و رافضه از من است انا من رافضه و هو منی قالها ثلاثا و در مورد خوارج حضرت آیت... علی ربانی گلپایگانی می فرمایند:

خوارج جمع خارجی و از خروج به معنی سرکشی و طغیان اخذ شده و معادل فارسی آن شورشیان است... گروه خوارج را بدان جهت به این نام خوانده اند که از فرمان علی علیه السلام در جنگ صفین تمرد کرده علیه او شوریدند خوارج را مارقه یا مارقین نیز نامیدند در مورد فرقه قدریه حضرت آیت... علی ربانی گلپایگانی می فرمایند: قدریه یکی از کهن ترین فرق کلامی است که در جهان اسلام پدید آمد. تاریخ دقیق بوجود آمدن آن مشخص نیست ولی قدر مسلم این است که در نیمه دوم قرن نخست هجری مطرح بوده است...

از روایتی که طبرسی در کتاب احتجاج نقل کرده به دست می آید که حسن بصری (متوفای ۵۱۰ ه.ق) نیز از طرفداران اندیشه قدر بوده است زیرا در آن روایات آمده است که حسن بصری به ملاقات امام محمد باقر علیه السلام رفت و امام علیه السلام به او فرمود: شنیده ام تو بر این عقیده هستی که خداوند افعال بندگان را به آنان واگذار کرده است؟ آنگاه او را از چنین عقیده ای بر حذر داشت و فرمود (ایاک ان تقول بالتویض)... ۶ و حسن بصری سکوت اختیار کرد و چیزی نگفت. سکوت وی در چنین موقعیتی گواه این است که وی آن عقیده را قبول داشته است. سید مرتضی از داوود بن ابی هند روایت کرده که حسن بصری می گفت (کل شی بقضا... و... قدره الا المعاصی) هر شی بقضا و قدر الهی است مگر معصیت. ... ثواب الا اعمال صدوق نرم افزار جامع فقه اهل البیت نور

از امام علی روایت کرده که فرمود
لکل امه مجوس و مجوس هذه الامه الذین یقولون لا قدر در هرامتی مجوس بوده است و مجوس این امت منکران قدرند.
امام باقر علیه السلام به حسن بصری فرمود:

ایاک ان تقول بالتویض فان... عزوجل لم یفوض الامر الی خلقه و هنا منه و ضعفا... از اعتقاد به قدر بر حذر باش زیرا خداوند ضعیف و ناتوان نبوده است که کارهای بندگان را به آنها واگذار کند. از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمود:

مساکین القدریه ارادوا ان یصفوا... عزوجل بعدله فاخرجوه من قدرته و سلطانه قدریه فرومایه خواستند که خداوند را به عدالت تو صیف کنند ولی او را از قدرت و فرمانروایی اش خارج کردند.
در مورد مذهب معتزله حضرت آیت... علی ربانی گلپایگانی می فرمایند:

این مذهب در اوایل قرن دوم هجری توسط واصل بن عطا ۸۰-۱۳۱ ه.ق پدید آمد در آن زمان مساله مرتکبان گناه و حکم دنیوی و اخروی آنان مورد بحث جدی قرار داشت. خوارج آنان را کافر و مشرک دانسته و معتقد بودند که آنها اگر بدون توبه از دنیا بروند محکوم به عذاب ابدی خواهند بود اما اکثریت امت آنان را مومن فاسق می دانستند و حسن بصری آنها را منافق می دانست. در چنین شرایطی واصل بن عطا که از شاگردان حسن بصری بود رای جدیدی را ابراز نموده و گفت: ایمان اسم مدح بوده و عبارت است از مجموعه از خصال و صفات پسندیده و مرتکبان کبایر فاقد برخی از آن صفاتند فسق نیز اسم ذم است لذا فاسقان را نمی توان مومن نامید از طرفی چون به توحید اقرار داشته و برخی از صفات حمیده را نیز دارا هستند نمی توان آنان را مشرک و کافر نامید و در نتیجه باید گفت فسق حد وسط میان ایمان کفر بوده و مرتکبان کبایر نه مومن هستند و نه کافر ولی از آنجا که انسانها در قیامت دو گروه بیش نیستند پس گروهی اهل بهشت و گروهی اهل دوزخ فریق فی الجنه و فریق فی السعیر و بهشت نیز جایگاه مومنان و صالحان است بنابراین اگر فاسقان بدون توبه از دنیا بروند اهل دوزخ و مخلد در عذابند و این نظریه به عنوان (منزله بین المنزلتین) شهرت یافت. معتزله در بحث های کلامی و نیز تفسیر آیات قرآن از عقل و تفکر عقلانی استفاده می کردند و هرگاه نتایج استدلال های عقلی آنان با ظواهر دینی مخالفت داشت دست به تاویل ظواهر زده و بدین وسیله میان عقل و دین هماهنگی ایجاد می کردند فیلسوفان اسلامی نیز از همین روش پیروی می کنند با این تفاوت که معتزله غالبا از تفکر جدلی بهره می گرفتند ولی فیلسوفان اسلامی از تفکر برهانی..... متکلمان معتزلی به دو گروه معتزله بصره و معتزله بغداد تقسیم می شوند.... طرفداران این دو مدرسه کلامی در اصول کلی و روش فکری توافق دارند ولی درپاره ای از مسایل کلامی دارای آرای مختلف اند و دیدگاه های معتزله بغداد غالبا با اصول اعتقادی امامیه مطابقت دارد. شیخ مفید نمونه هایی از آن را در اوایل المقالات خود یادآور شده و علاوه بر آن رساله ای به نام (المقنعه) به این موضوع اختصاص داده و در آن نظر گاهای معتزله بغداد را که با روایات اهل بیت هماهنگ اند بیان کرده است.

. (دیوان شاه نعمت... غزل ۵۲۲ ص ۵۸۰).
 . (رسائل حضرت سید نور الدین شاه نعمت... ولی ج ۱ رساله نصیحت نامه سید خلیل... (ولده) ص ۳۸۹).
 . (همان ج ۱ رساله نصیحت نامه سید خلیل الخ ولده ص ۳۹۰).
 . (رساله تحقیق اسلام جزو مجموعه خطی رسایل شاه نعمت... ولی شماره ۴۲۶۲ متعلق به کتابخانه ملک شماره ۹۴) (منقول از تحقیق در احوال و نقد آثار و افکار شاه نعمت... ولی صص ۷-۵۹۶).
 (. الملل و النحل محمد بن عبد الکریم شهرستانی الشریف الرضی نرم افزار کلام اسلامی نورج ص ۱۰۵-۱۰۶)

. (مقالات الاسلامین ابو الحسن اشعری فرانس شتاینر نرم افزار کلام اسلامی نورص ۸۸-۸۹).

. (اعیان الشیعه آیت الله سید محسن امین دار التعارف نرم افزار کلام اسلامی نور ج ۱ ص ۲۱).

- . (الملل و النحل ج ۱ ص ۵۷).
- . (الامالی سید مرتضی ج ۱ ص ۶۸ پاورقی).
- . (اعیان الشیعه ج ۱ ص ۲۱).
- . (واقعه صفین نصر بن مزاحم ص ۲۹).
- . (بحار النوار ج ۶۵ ص ۹۷ حدیث ۲).
- . فرق ومذاهب کلامی ص ۴۰۸.
- . فرق ومذاهب کلامی ص ۴۳۷.
- . (الا حتجاج شیخ طبرسی- ترجمه از جعفری عتقادی روایی انتشارات اسلامیة ص ۳۲۶).
- . (الا مالی ج ۱ ص ۱۰۶).
- . (بحار الانوار ج ۵ ص ۱۲۰ روایت ۵۸ به نقل از ثواب الاعمال).
- . (الاحتجاج ص ۳۲۶).
- . (بحار الانوار ج ۵ ص ۵۴).

طبق مطالبی که در پاورقی قبل ذکر شد، تعبیر نعمت... ولی از روافض را شیعه قبول ندارد در مورد قدریه شیعه نیز قدریه را قبول ندارد در مورد معتزله نیز معتزله بغداد به شیعه نزدیک است در مورد خوارج شیعه آنها را قبول ندارد اما با اندک مطالعه ای در کتبی که در مورد فرقه های سنی و شیعه نوشته اند در می یابیم، کسی با انکار چند فرقه به فرقه شیعه عقایدش ملحق نمی شود، خصوصا اینکه مطالبی گفته باشد که شیعه قبول ندارد و خلاف آنچه گفته از ارکان تشیع است، پس از شیعه بودن نیز خارج می شود.

نعمت... ولی می خواهد با این مذهب به قول خودش جامع افراد سنی و شیعه را گرد هم آورد و با این جمع از اختلافات جلوگیری کند، جلو برادر کشی را بگیرد در حالی که می توان به عقیده و اندیشه خود باقی بود و با دیگر اندیشه ها نیز تعامل سازنده و دور از خشونت داشت، حتما نباید همه یک عقیده باشند تا از خشونت پرهیز شود.

تکثر گرایی با استفاده از الفاظ مشترک

دم به دم از ولای مرتضی باید زدن
دست در دامن آل عبا باید زدن
نقش حب خاندان بر لوح جان باید نگاشت
مهر مهر حیدری بر دل چو ما باید زدن
دم مزن با هر که او بیگانه باشد با علی
گر نفس خواهی زدن با آشنا باید زدن^{۱۱۶}
بی ولای آن ولی لاف از ولایت می زنی
لاف را باید که دانی از کجا باید زدن^{۱۱۷}
ما لوایی از ولای آن ولی افراشتیم
طبل در زیر گلیم آخر چرا باید زدن
هر کس را امام رهبری است
رهبر جان ما علی ولی^{۱۱۸}
سید اولیا علی ولی
آن که عالم تن است و او جان است
گرچه من جان عالمش گفتم
غلطی گفته ام که جانان است

. فرق و مذاهب کلامی ص ۳۵۴ .

. شوری ۷ .

. (الامالی سید مرتضی ج ۱ ص ۱۱۵ شرح الاصول الخمسه ص ۱۳۸-۱۳۹

الفرق بین الفرق ص ۱۱۸ الملل و النحل ج ۱ ص ۴۸) .

. (اوائل المقالات شیخ مفید المؤتمر العالمي للشیخ المفید نرم افزار کلام اسلامی نورص ۶۴ پاورقی).

^{۱۱۶} . (دیوان نعمت... ولی با مقدمه سعید نفیسی انتشارات باران

قصاید ص ۲۷) .

^{۱۱۷} . (همان قصاید ص ۲۸) .

^{۱۱۸} . (همان قصاید ص ۳۳) .

بی ولای علی ولی نشوی
 گر تو را صد هزار برهان است
 واجب است انقیاد او بر ما
 خدمت ما بقدر امکان است
 دوستی رسول و آل رسول
 نزد مومن کمال ایمان است
 باطنا شمس و ظاهرا ماه است
 نور هر دو به خلق تابان است
 رو رضای علی به دست آور
 گر تو را اشتیاق رضوان است
 یادگار محمد است و علی
 نعمت... که میرمستان است.^{۱۱۹}

از مطالعه و پژوهش در آثار نعمت... ولی ترغیب پیروان به محبت آل عبا (علیهم السلام)! و خاندان پیامبر فهمیده می شود ولی باید به نکته ی توجه داشت:
 برخی از پیروان مکتب تصوف به ولایت علی مرتضی علیه السلام متمسکند، لکن این مطلب عده زیادی را به اشتباه انداخته و اشعاری از این قبیل را دلیل بر شیعه بودن یا شیعه شدن این افراد دانسته اند غافل از آن که در بعضی از مذهب های چهار گانه اهل تسنن نیز محبت خاندان رسول (صلی علیه و آله و سلم) و آل عبا (علیهم السلام)! بسیار تاکید شده است و در مورد ولی نیز اهل سنت به معنی دوست می گیرند، پس نباید دم از ولای علی زدن را دال بر اعتقاد به حاکمیت و سرپرستی بلا فصل امام علی علیه السلام بعد از نبی (صلی علیه و آله و سلم) دانست و آنها عایشه را نیز جز اهل بیت علیهم السلام دانسته و او و تمام صحابه را نیز عادل و قبول دارند، البته عصمت را شرط برای این قبول داشتن نمی دانند پس از ابراز محبت به خاندان یا آل عبا (علیهم السلام) یا دم از ولای علی علیه السلام زدن که در توضیح کسانی که این دو لفظ شامل آنها می شود نیز بین مذهب حقه تشیع و فرقه های اهل تسنن، بحث است نباید به شیعه بودن کسی استناد کرد. خصوصا اینکه نعمت... ولی مطالبی نیز در قبول آنچه اهل تسنن معتقدند و شیعه معتقد نیست نیز گفته است که قبلا آورده شد.^{۱۲۰}

^{۱۱۹} . (همان قصاید ص).

^{۱۲۰} علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در مورد [" أَهْلَ الْبَيْتِ " و مخاطب آیه " يُرِيدُ... لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً " چه کسانی هستند؟] می فرماید :

حال باید دید اهل بیت علیهم السلام چه کسانی هستند؟ بطور مسلم فقط زنان آن جناب اهل بیت او نیستند، برای اینکه هیچگاه صحیح نیست ضمیر مردان را به زنان ارجاع داد، و به زنان گفت " عنکم - از شما " بلکه اگر فقط همسران اهل بیت بودند، باید می فرمود: " عنکن "، بنا بر این، یا باید گفت مخاطب همسران پیامبر و دیگران هستند هم چنان که بعضی «۱» دیگر گفته اند: مراد از اهل البیت، اهل بیت الحرام است، که در آیه " إِنَّ

نعمت... ولی با استفاده از این لفظ مشترک بین شیعه و سنی طرفدارانی را جذب می کند که دلالت بر تفکر پلورالیستی و تکثر گرایی با استفاده از این الفاظ مشترک دارد.

أُولِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ" آنان را متقی خوانده، و بعضی «۲» دیگر گفته اند: مراد اهل مسجد رسول خدا (صل... علیه و آله و سلم) است، و بعضی «۳» گفته اند: همه آن کسانی است که در عرف جزو خاندان آن جناب به شمار می روند، چه همسرانش، و چه خویشاوندان و نزدیکانش، یعنی آل عباس، آل عقیل، آل جعفر، و آل علی، و بعضی «۴» دیگر گفته اند: مراد خود رسول خدا (صل... علیه و آله و سلم) و همسران اوست، و شاید آنچه به عکرمه و عروه نسبت داده اند همین باشد، چون آنها گفته اند: مراد تنها و تنها همسران رسول خدا (صل... علیه و آله و سلم) است. تا اینکه مخاطب هم چنان که بعضی «۵» دیگر گفته اند: غیر از همسران آن جناب هستند و خطاب در " عنکم - از شما" متوجه اقربای رسول خدا (صل... علیه و آله و سلم) است، یعنی آل عباس، آل علی، آل عقیل، و آل جعفر ۱۲۰.

۱۲۰. شماره های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ را علامه از تفسیر روح المعانی نقل کرده است

حضرت آیت... مکارم شیرازی می فرمایند: اما اینکه مقصود از " اهل بیت پیامبر" (صل... علیه و آله و سلم) در اینجا چه اشخاصی می باشد در میان مفسران گفتگو است، بعضی آن را مخصوص همسران پیامبر ص دانسته اند، و آیات قبل و بعد را که در باره ازواج رسول خدا ص سخن می گوید، اینکه بعضی "بیت" را در اینجا اشاره به "بیت... الحرم" و کعبه دانسته اند و اهل آن را "متقون" شمرده اند بسیار با سیاق آیات نامتناسب است، چرا که در این آیات سخن از پیامبر (صل... علیه و آله و سلم) و بیت او در میان است نه بیت... الحرم و هیچگونه قرینه ای بر آنچه گفته اند وجود ندارد. قرینه این معنی شمرده اند. ولی با توجه به يك مطلب، این عقیده نفی می شود و آن اینکه ضمیرهایی که در آیات قبل و بعد آمده عموماً به صورت ضمیر "جمع مؤنث" است، در حالی که ضمائر این قسمت از آیه (إِنَّمَا يُرِيدُ... لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيراً) همه به صورت "جمع مذکر" است، و این نشان می دهد معنی دیگری در نظر بوده است. لذا بعضی دیگر از مفسران از این مرحله گام فراتر نهاده و آیه را شامل همه خاندان پیامبر اعم از مردان و همسران او دانسته اند. از سوی دیگر روایات بسیار زیادی که در منابع اهل سنت و شیعه وارد شده معنی دوم یعنی شمول همه خاندان پیامبر ص را نیز نفی می کند و می گوید:

مخاطب در آیه فوق منحصرأ پنج نفرند: پیامبر صل... علیه و آله و سلم، علی علیه السلام و فاطمه علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام .

با وجود این نصوص فراوان که قرینه روشنی بر تفسیر مفهوم آیه است تنها تفسیر قابل قبول برای این آیه همان معنی سوم یعنی اختصاص به "خمسه طیبه" است... تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص: ۲۹۴.

سپس در ادامه دلیل های قول سوم را می آورند که علاقه مندان می توانند به تفسیر نمونه، مراجعه کنند . تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص: ۲۹۵ به بعد.

تکثر گرایی و حفظ حرمت خلفای سه گانه

نعمت... ولی که از دوستی خاندان آل عبا! علیهم السلام صحبت می کرد و با این کار در بین شیعیان خود را طرفدار اعتقادات آنها نشان داده بود از روش اساتید خود کناره گیری نمی تواند بکند و به قول خودش در مورد امیر المومنین که گفت:

ما لوای از ولای آن ولی افراشتیم
طبل در زیر گلیم آخر چرا باید زدن
ازاینکه اعتقاد خود را در مورد خلفای دیگر مخفی
کند نیز خود داری نمی کند و می گوید
الف) چهار یار رسولند دوستان خدا
به دوستی یکی دوست دارشان هر چهار^{۱۲۱}

یعنی خلفا (ابوبکر و عمر و عثمان و علی (ع) چهار تن از صحابه و یار پیغمبرند و به واسطه دوستی پیغمبر اکرم (صلی علیه و آله) باید این چهار صحابی را دوست داشت

ب)... از نبی بر چهار رکن نبوت که ابوبکر و عمر و عثمان و امیر المومنین علی علیه السلام است^{۱۲۲} در مذهب تشیع اطاعت بی چون و چرا از صحابه و اعتقاد به اینکه به خاطر پیغمبر باید آنها را دوست داشت سخنی مردود دانست در اعتقاد شیعه بعد از پیامبر به دستور خدا امام علی علیه السلام توسط پیامبر (صلی علیه و آله وسلم) به عنوان جانشین معرفی شده و بعد از امام علی علیه السلام امامان دیگر که در احادیث پیامبر صلی علیه و آله وسلم نیز به آنها اشاره شده است.

لفظ شیعه در اصطلاح به کسانی گفته می شود که به امامت و خلافت بلا فصل علی علیه السلام معتقدند و بر این عقیده اند که امامت او از طریق نص جلی و یا خفی ثابت شده و امامت حق او و فرزندان او است.^{۱۲۳}

لازم به ذکر است فقط فرقه زیدیه بودند که گفتند؛ امام علی علیه السلام خلافت ابوبکر را پذیرفته پس آنها نیز او را قبول کردند، زیدیه فرقه ای منسوب به زید فرزند امام زین العابدین علیه السلام است، آنان تا امام سوم را به امامت و خلافت پذیرفته اند و با شیعه اثنی عشری هم عقیده اند، ولی پس از امام حسین علیه السلام به امامت ولایی سیاسی زین العابدین علیه السلام اعتقاد ندارند، اگر

۱۲۱. (همان غزل ۸۲۵ ص ۳۴۷).

۱۲۲. رسائل نعمت... ولی به اهتمام عبد الحسین ذو الریاستین مرداد ۱۳۱۱ مطبعه ارمغان ص ۹۰).

۱۲۳. (فرق و مذاهب کلامی نقل از اوائل المقالات ص ۴۲ الملل و النحل ج ۱ ص ۱۴۶).

چه امامت علمی او را پذیرفته اند در فهرست امامان زیدیه پس از امام حسین علیه السلام حسن مثنی متوفای ۸۰ هـ.ق فرزند امام حسن مجتبی قرار دارد^{۱۲۴}.

این گروه و دو گروه دیگر (سلیمانیه یا جریریه و صالحیه یا ابتریه علی علیه السلام را افضل صحابه می دانستند، ولی معتقد بودند ابوبکر از طریق بیعت به امامت رسید و علی علیه السلام به آن رضایت داد، در این میان سلیمانیه خلافت ابوبکر و عمر را که مدعی اندبه انتخاب امت انجام گرفته صحیح می دانستند، عثمان را به دلیل بدعت های که در دین انجام داد و نیز عایشه و طلحه و زبیر را به سبب جنگ با علی تکفیر می کردند و صالحیه می گفتند درباره عثمان باید توقف کرد و سخنی در مدح و ذم او نباید گفت.^{۱۲۵}

طبیعی است شهادت حضرت زهرا اولین شهید دفاع از ولایت و مخفی بودن قبر آن حضرت را هیچ شیعه محب اهل بیته فراموش نمی کند و اگر محب خاندان است معتقد به انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم^{۱۲۶} می باشد دشمن خاندان و آل را دشمن و دوست دار آنها را دوست می دارد نمی شود آنها را دوست داشت و مخالفین و غاصبین حق آنها را هم دوست داشت.

تولی و تبری جز فروع مذهب تشیع است و در آیات و روایات بسیار بر آن تاکید شده است.^{۱۲۷}

^{۱۲۴} . (فرق الشیعه نوبختی حسن بن موسی نوبختی دار الأضواء نرم افزار کلام اسلامی نورص ۶۶-۶۸ و ص ۳۷-۴۰).

^{۱۲۵} . (فرق و مذاهب کلامی ص ۷۶).

^{۱۲۶} . مفاتیح نوین زیارت عاشورا آیت ... مکارم شیرازی.

^{۱۲۷} . اهمیت تولی و تبری در قرآن گرفته شده از نرم افزار توشه تبلیغ

حجه الاسلام قرآتی

ۛ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ... هُوَ الْغَنِيِّ الْخَمِيذُ [حدید]. /24/

لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينٌ [کافرون]. /6/

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ... كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِإِلَهِ وَحْدَهُ [ممتحنه]. /4/

لَا يَنْهَاكُمُ... عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنْ... يَجِبُ الْمُقْسِطِينَ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ

... عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَى

إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ [ممتحنه] /8-9/

وَ لَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ [هود]. /113/

إِنَّ الَّذِينَ يَجِبُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي

الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ [نور]. /19/

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَى

أَنْفُسِكُمْ أَوْ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ [نساء]. /135/

هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَ لَا يَجِبُ عَلَيْكُمْ [عمران]. /119/

در هر نماز: غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ [فاتحه]. /7/

در هر نماز: صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ [فاتحه]. /7/

رَبِّ يَمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ [قصص]. /17/

کسی که خدا را دوست بدارد، خلق او و آثار و آیات او را هم دوست

دارد.

تبری قبل از تولی است: فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يَوْمِنُ بِاللَّهِ [بقره]. /256/

لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينٌ [كافرون]. [6/
إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ] يوسف. [37/
إِنَّا بُرَآءَا مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ] ممتحنه. [4/

2. اهمیت تولی و تبری در روایات
قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ع: (قَالَ: رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ ص (يَا رَسُولَ اللَّهِ! عَظَمِي شَيْئًا إِذَا أَنَا فَعَلْتُهُ أَحَبَّنِي... مِنَ السَّمَاءِ وَ أَحَبَّنِي أَهْلُ الْأَرْضِ قَالَ ارْغَبْ فِيمَا عِنْدَ... يَجِبُكَ... وَ ارْهَدْ فِيمَا عِنْدَ النَّاسِ يَجِبُكَ النَّاسُ] تهذيب الأحكام، ج 6، ص. [377

بعضی برای بهشت و بعضی از ترس جهنم...
قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ع: (إِنَّ النَّاسَ يَعْبُدُونَ... عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ فَطَبَقَهُ يَعْبُدُونَهُ رَغْبَةً فِي ثَوَابِهِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْحُرَصَاءِ وَ هُوَ الطَّمَعُ وَ آخَرُونَ يَعْبُدُونَهُ خَوْفًا مِنَ النَّارِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ هِيَ زَهْبَةٌ وَ لَكِنِّي أَعْبُدُهُ حُبًّا لَهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْكِرَامِ وَ هُوَ الْأَمْنُ] خصال صدوق، ج 1، ص. [188

اولین کلمه اسلام تبری است: لا إله [کافی، ج 2، ص. 127]
قَالَ الصَّادِقُ ع: (كُلُّ مَنْ لَمْ يَجِبْ عَلَى الدِّينِ وَ لَمْ يَبْغُضْ عَلَى الدِّينِ فَلَا دِينَ لَهُمْ نَبَعَ ذِكْرُ نَشْدِهِ اسْت!)
قَالَ الْبَاقِرُ ع: (لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ رَجُلًا لِلَّهِ لِأَتَابِهِ... عَلَى حُبِّهِ إِيَّاهُ وَ إِنْ كَانَ الْمُحِبُّوبُ فِي عِلْمٍ... مِنَ أَهْلِ النَّارِ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَبْغَضَ رَجُلًا لِلَّهِ لِأَتَابِهِ... عَلَى بُغْضِهِ إِيَّاهُ وَ إِنْ كَانَ الْمُبْغُضُ فِي عِلْمٍ... مِنَ أَهْلِ الْجَنَّةِ] کافی، ج 2، ص. [127

قَالَ الصَّادِقُ ع: (هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ] تفسیر فرات کوفی، ص. [428
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: (حُبِّي وَ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَالِ هُنَّ عَظِيمَةٌ عِنْدَ الْوَفَاةِ وَ فِي الْقَبْرِ وَ عِنْدَ النُّشُورِ وَ عِنْدَ الْكُتَابِ وَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ] أمالی صدوق، ص. [10
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: (لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ] کافی، ج 2، ص. [46

قَالَ الصَّادِقُ ع: (حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَفْضَلُ عِبَادَةٍ] المحاسن، ج 1، ص. [150
قَالَ الْبَاقِرُ ع: (حُبُّنَا إِيْمَانٌ وَ بُغْضُنَا كُفْرٌ] کافی، ج 1، ص. [187
قَالَ الْبَاقِرُ ع: (بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصُّومِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يَنَآذِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ] کافی، ج 2، ص. [18
قَالَ الْبَاقِرُ ع: (مَنْ سَرَّهُ أَنْ لَا يَكُونَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ... حِجَابٍ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَيَّ... وَ يَنْظُرَ... إِلَيْهِ فَلْيَتَوَالَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ يَتَبَرَّأْ مِنْ عَدُوِّهِمْ وَ يَأْتِ بِالْإِمَامِ مِنْهُمْ فَإِنَّهُ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ نَظَرَ... إِلَيْهِ وَ نَظَرَ إِلَيَّ] قرب الإسناد، ص. [152

کسی که خدا را دوست بدارد، خلق او و آثار و آیات او را هم دوست دارد.
کسی که خدا را دوست بدارد، به راحتی در راه او از مال و جان می‌گذرد.

کسی که خدا را دوست بدارد، دشمن او و گناهکار را دوست ندارد.
قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ... فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ] آل عمران. [31/
طبق روایات، بخش مهم قرآن درباره رهبری آسمانی و امام نار و امام نور است.

قَالَ الصَّادِقُ ع: (لَا يَبْلُغُ أَحَدُكُمْ حَقِيقَةَ الْإِيْمَانِ حَتَّى يَجِبَّ أَبْعَدَ الْخَلْقِ مِنْهُ فِي... وَ يَبْغُضَ أَقْرَبَ الْخَلْقِ مِنْهُ فِي اللَّهِ] تحف العقول، ص. [369
قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: (وَ... لَقَدْ زَأَيْتُنَا مَعَ رَسُولِ... ضَلَّى... عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نَقُتِلُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاءَنَا وَ أَخْوَالَنَا وَ أَعْمَامَنَا وَ أَهْلَ بُيُوتِنَا ثُمَّ لَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيْمَانًا وَ تَسْلِيمًا وَ جِدًّا فِي طَاعَةِ اللَّهِ] کتاب سلیم بن قیس، ص. [696

يا أيها الذين آمنوا كونوا قوامين بالطغيان شهداء لله و لو على أنفسكم أو الوالدين و الأقربين] نساء. [135/
تولی و تبری نشانه خط است و کسی که ندارد، در واقع خط ندارد.
قَالَ الْهَادِي ع: (بِمُؤَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ] من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص. [615 زیارت جامعه کبیره)

ولی نعمت ... ولی از آنجا که صوفی سنی مذهب است، اعتقادش از تولی و تبری خالی است، از مذهب خود حفظ حرمت خلفای سه گانه، بلکه وجوب آن را اثبات می کند و با مسلک عرفانی صوفیانه خود بین محبت علی علیه السلام و آن سه را جمع می کند و این تکرر گرایي را مذهب جامع می داند.

قَالَ الصَّادِقُ(ع): (مَنْ أَحَبَّ كَافِرًا فَقَدْ أَبْغَضَ... وَ مَنْ أَبْغَضَ كَافِرًا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ) [أمالی صدوق، ص. 605]

درجات بهشت و درکات دوزخ بستگی به تولی و تبری قلبی و یدی و

لسانی دارد:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص): (فِي الْجَنَّةِ ثَلَاثُ دَرَجَاتٍ وَ فِي النَّارِ ثَلَاثُ دَرَكَاتٍ فَأَعْلَى دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ لِمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ نَصَرَنَا بِلِسَانِهِ وَ يَدِهِ وَ فِي الدَّرَجَةِ الثَّانِيَةِ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ فِي الدَّرَجَةِ الثَّلَاثَةِ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ فِي أَسْفَلِ الدَّرَكِ مِنَ النَّارِ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَ أَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَ يَدِهِ وَ فِي الدَّرَكِ الثَّلَاثَةِ مِنَ النَّارِ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَ أَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَ فِي

الدَّرَكِ الثَّلَاثَةِ مِنَ النَّارِ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ] المحاسن، ج 1، ص. 153

قَالَ الصَّادِقُ(ع): (مَنْ جَالَسَ لَنَا غَائِبًا أَوْ مَدَحَ لَنَا قَالِيًا أَوْ وَصَلَ لَنَا

قَاطِعًا أَوْ قَطَعَ لَنَا وَاصِلًا أَوْ وَآلَى لَنَا عَدُوًّا أَوْ عَادَى لَنَا وَلِيًّا فَقَدْ كَفَرَ

بِالَّذِي أَنْزَلَ السَّبْعَ الْمَثَانِي وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ] أمالی صدوق، ص. 56

قَالَ الْبَاقِرُ(ع): (حُبُّنَا إِيْمَانٌ وَ بُغْضُنَا كُفْرٌ] كافي، ج 1، ص. 187

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص): (مَنْ تَوَلَّى ظَالِمًا فَهُوَ ظَالِمٌ] بحار الأنوار، ج 27، ص. 60

قَالَ الصَّادِقُ(ع): (كَذَبَ مَنْ ادَّعَى مَحَبَّتَنَا وَ لَمْ يَتَّبِعْنَا مِنْ

عَدُوِّنَا] مستطرفات السرائر، ص. 640

قَالَ الرَّضَا(ع): (مَنْ أَحَبَّ غَاصِبًا فَهُوَ غَاصِبٌ وَ مَنْ أَحَبَّ مُطِيعًا فَهُوَ

مُطِيعٌ] عيون أخبار الرضا، ج 2، ص. 235

عَنْ أَنَسٍ قَالَ: "جَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْبَادِيَةِ وَ كَانَ يَعْجِبُنَا أَنْ يَأْتِيَ الرَّجُلَ مِنْ أَهْلِ الْبَادِيَةِ يَسْأَلُ النَّبِيَّ(ص) (فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَتَى فَيَأْمُ السَّاعَةِ فَخَضِرَتِ الصَّلَاةُ فَلَمَّا قَضَى صَلَاتَهُ قَالَ: أَيْنَ السَّائِلُ عَنِ السَّاعَةِ؟ قَالَ: أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَالَ فَمَا أَعَدَدْتَ لَهَا قَالَ وَ... مَا أَعَدَدْتُ لَهَا مِنْ كَثِيرٍ عَمَلٍ صَلَاةً وَ لَا صَوْمًا إِلَّا أَنِّي أَحِبُّ... وَ رَسُولُهُ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ(ص): (الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ قَالَ أَنَسٌ: فَمَا رَأَيْتَ الْمُسْلِمِينَ فَرَحُوا بَعْدَ الْإِسْلَامِ بِشَيْءٍ أَشَدَّ مِنْ فَرَحِهِمْ بِهَذَا]" علل الشرائع،

ج 1، ص. 139

قَالَ الصَّادِقُ(ع): (كُلُّ مَنْ لَمْ يَجِبْ عَلَى الدِّينِ وَ لَمْ يَبْغِضْ عَلَى الدِّينِ فَلَا

دِينَ لَهُ] كافي، ج 2، ص. 127

قَالَ الصَّادِقُ(ع): (إِنَّ الْمُسْلِمِينَ يَلْتَقِيَانِ فَأَفْضَلُهُمَا أَشَدُّهُمَا حُبًّا

لِصَاحِبِهِ] كافي، ج 2، ص. 127

قَالَ الصَّادِقُ(ع): (ثَلَاثٌ مِنْ عَلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ عِلْمُهُ بِاللَّهِ وَ مَنْ يَجِبُ وَ مَنْ

يَبْغِضُ] كافي، ج 2، ص. 126

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) (لِأَصْحَابِهِ: أَيُّ عَزَى الْإِيْمَانِ أَوْثَقُ؟ فَقَالُوا: ... وَ رَسُولُهُ

أَعْلَمُ وَ قَالَ بَعْضُهُمْ: الصَّلَاةُ وَ قَالَ بَعْضُهُمْ: الزَّكَاةُ وَ قَالَ: بَعْضُهُمْ الصِّيَامُ وَ قَالَ: بَعْضُهُمْ الْحَجُّ وَ الْعُمْرَةُ وَ قَالَ بَعْضُهُمْ الْجِهَادُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص): (لِكُلِّ مَا قُلْتُمْ فَضْلٌ وَ لَيْسَ بِهِ وَ لَكِنْ أَوْثَقُ عَزَى الْإِيْمَانِ الْحُبُّ فِي... وَ الْبُغْضُ فِي

... وَ تَوَالِي أَوْلِيَاءِ... وَ التَّبَرُّي مِنَ أَعْدَاءِ اللَّهِ] كافي، ج 2، ص. 125

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص): (وَدُّ الْمُؤْمِنِ لِلْمُؤْمِنِ فِي... مِنْ أَكْثَرِ شَعْبِ الْإِيْمَانِ إِلَّا وَ مَنْ أَحَبَّ فِي... وَ أَبْغَضَ فِي... وَ أَعْطَى فِي... وَ مَنَعَ فِي... فَهُوَ مِنْ أَصْغِيَاءِ

اللَّهِ] كافي، ج 2، ص. 125

قَالَ الصَّادِقُ(ع): (مَنْ أَحَبَّ لِلَّهِ وَ أَبْغَضَ لِلَّهِ وَ أَعْطَى لِلَّهِ فَهُوَ مِنْ كَمَلِ

إِيْمَانِهِ] كافي، ج 2، ص. 124.

تکثرگرایی و پلورالیسم در اندیشه قائلین به تصویب

نعمت... ولی که با مسلک عرفانی صوفیانه اش بین صحابه - همچون مولی علی علیه السلام و غاصبین خلافت آن حضرت - جمع می کند، چون فردی سنی مذهب است باید مانند اهل سنت از لحاظ اصول فقهی نیز اعتقادات و اجتهادات همه را حق بداند و قایل به تصویب شود، در این صورت نتیجه آن می شود، حضرت حق جل جلاله معاذ... حکم واقعی نداشته باشد و معاذالله خدا بر روی عرش نشسته تا هر چه به ذهن صحابی و... رسید را حقیقت بخشد، مسلک تصویب یعنی اماره و دلیل ظنی موجب ایجاد حکم واقعی می شود و ادعای خود را حکم واقعی برای مکلف می شمارد. جمهور علما؛ عامه را مصوبه می دانند، به خاطر اینکه طرفداران تصویب مجتهدند و شعارشان این است که کل مجتهد مصیب و حکم واقعی همان است که مجتهد به آن رسیده؛ معاویه و عایشه اجتهاد کرده اند و عمل به اجتهادشان برای آنها واجب بوده است. جمهور علما؛ شیعه را مخطئه می نامند، به خاطر اینکه می گویند: خداوند در لوح محفوظ احکامی دارد که در حق همگان ثابت است، اعم از جاهل، عالم، مسلم و کافر و ما همه به واقع مکلفیم و امارات هم طریقند الی الواقع، اگر صحابی اشتباه کرد صحابی بودنش و مجتهد بودنش باعث تغیر در حکم... واقعی نشده او در نفس الامر و واقع خطا کار است.^{۱۲۸} نتیجه اینکه نعمت... ولی با جمع در مذهب جامعش، چاره ی جز جمع بین حق باطل ندارد و این در ظنون به تصویب منجر شده و قائلین به تصویب نیز تکثر گرا هستند، چون وقتی مجتهد هر چه گفت حکم... واقعی بشود و بر خلاف اعتقاد شیعه نفس الامر و واقعی نیز نباشد، تا مطابقتی بین حکم مجتهد و آن پیش آید هر چه مجتهد قایل به تصویب گفت حجت است؛ حکم... واقعی است و این همان کثرت گرایی و پلورالیسم هست که در عقاید عامه ریشه دارد و از لحاظ کلامی این افراد یا اهل تفویض و یا جبر همراه شدند و چگونه حق با حق درگیر شود و هزاران کشته در این جنگها بر زمین بیفتد، یقیناً تکثر گرایی در این عقاید موج می زند.

^{۱۲۸} . (شیخ مرتضی انصاری ص ۱۲۳ مجمع الفکر الاسلامی) .

تکثر گرایی با جمع بین خلفای سه گانه و امام علی علیه السلام

نعمت ا... ولی با بهره گیری از روایت اهل سنت هم ابوبکر را خلیل رسول خدا نامیده و مهر تایید بر او می زند و هم عمر را به عنوان کسی که شان بالقوه نبوت داشته مطرح می کند و او و ابوبکر را آقای اهل بهشت معرفی می نماید و از طرفی امامت و ولایت علی علیه السلام را مورد تاکید قرار می دهد و آن حضرت را مانند هارون برای موسی می داند که این حکایت از تفکرات پلورالیستی وی داشته است .
عن عبدالله بن مسعود عن نبی صلی ا... و سلم قال : لو كنت متخذاً خلیلاً لاتخذت ابابکر خلیلاً و لکنه اخی و صاحبی و قد اتخذ ا... صاحبکمو صاحبی خلیلاً بیت:

صدق صدیق باید ای صادق

تا شوی عاشقی چنان لایق

وقال فی عمر : لو کان بعدی نبی لکان عمر الخطاب.

و عن انس قال : قال رسول ا... صلی ا... علیه وسلم

: ابوبکر و عمر سیدا کهول اهل الجنة من الا ولین و الاخرین

.....

نعمت یاران رسول فرموده

جان مومن قبول فرموده

و عن طلحه بن عبد ا... قال : قال رسول ا... علیه و

سلم لعلی انت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی

و عن زید بن ارقم قال : قال رسول ا... صلی ا... علیه

وسلم من كنت مولاہ و فعلی مولاہ^{۱۲۹}.....

لازم به ذکر است در مورد حدیث اول هرکس ابابکر و ظلم

او به امام علی علیه السلام را بداند و بشناسد جعلی

بودن این مطلب برای او واضح است در مورد حدیث دوم این

روایت در مقابل روایت الحسن و الحسین سیدا شباب اهل جنة

جعل شده و چه ناشیانه جعل گردیده پیرمرد بهشت ! مگر

انسانهای پیر در بهشت به شکل مسن و پیر زندگانی می

کنند؟! پر فرض که صحابه ای زمان پیغمبر در موردش وصف

خوبی آورده شد یقیناً آن مطلب وصف حال او در آن زمان با

آن اوصاف اکتسابی بوده و در مورد بعضی از صحابه مثل

امام علی علیه السلام دلیل بر عصمت آنها هست، ولی اگر

دلیلی بر عصمت او نبود تصور خطا و گناه برای او ممکن

^{۱۲۹} . (نسخه خطی شماره ۴۲۶۲ کتابخانه ملک مورخ به سال ۱۱۰۹ ه . ق)

(و نسخه خطی شماره ۱۴۶۴ کتابخانه ملی مورخ به سال ۱۱۳۴ ه . ق)

(و کتاب مسافرت‌های شاه ولی ا... تالیف دکتر حمید فرزام اصفهان

شهریور ۱۳۴۷ صص ۵۹ و ۶۰ و حواشی آن (منقول از تحقیق در احوال و نقد آثار

و افکار شاه نعمت ا... ولی دکتر حمید فرزام انتشارات سروس ۱۳۷۴ صص ۵-

. (۵۹۴)

است پس اگر طلحه الخیر یا زبیر سیف الاسلام. بر امام علی علیه السلام در جنگ جمل شمشیر کشید، تکلیف برای شیعه مشخص است و نفاق کسانی که بین امام علی علیه السلام و غیر آن حضرت جمع کردند مسلم می شود که بعداً نیز در گفتار تکثر گرایی با جمع بین اضداد و اجتماع نقیضین این مطلب را بیشتر توضیح خواهم داد یک تکثر گرا و مبدع مذهب جامع با جمع بین امام علی علیه السلام و مخالفین در اینچنین امتحاناتی نفاق و خطایش آشکار می گردد.

تکثر گرایی باولی واصل به حق دانستن خود
نعمت ا...ولی نه تنها آنگونه که گذشت قائل به تکثر
گرایی در اصل مذهب بوده بلکه در فهم دین نیز دچار تکثر
گرایی شده تا جائی که با ولی واصل دانستن خود، خویش و
فهم خود از دین و مذهب را به عنوان راه رسیدن به حق
معرفی می کند در صورتی که خداوند متعال راه وصول به حق
را صراط مستقیم دانسته و؟؟؟ را دعوت می کند که راه حق
یک راه بیش نیست و از راه های متفرق بپرهیزند.

یاد جانان میان جان من است
عشق او عمر جاودان من است
نفس روحبخش من دریاب
که دم عیسوی از آن من است
هفت دریا به نزد اهل نظر
موجی از بحر بیکران من است
اهل بیت رسول اگر جویی
از منش جو که خاندان من است
مجلسی پر از نعمت جنت
بزم رندان و نزل خوان من است
یک زمانی به حال من پرداز
خوش زمانی که این زمان من است
هرکه خواهد نشان آل از من
نعمت ا...من نشان من است^{۱۳۰}

نصیحت اسراف و امساک هردو مذمومند افراط و تفریط
هر دو مردودند خیر الامور اوسطها بیت در همه کار معتدل می
باش تابع قول اهل دل می باش^{۱۳۱}
وقتی حد وسط و راه ثواب دور شدن از طریق مردود ؛
نفس آدمی با عقیده ی باطل گردید و حجیت حق دانستن
اعمال و رفتار و گفتار چنین شخصی ؛ نفسش گردید، افراط
یا تفریط چنین روشی آشکار است عارف صوفی مسلک خود را حق
دانسته بدیهی است که اعمال و رفتار و گفتار پر از تناقض
گویی و تکثر گرایی و جمع بین حق و باطل خواهد بود .

^{۱۳۰} . (دیوان شاه نعمت ا...ولی غزل ۲۷۴ صص ۶-۱۳۵) .

^{۱۳۱} . (رسایل حضرت سید نور الدین شاه نعمت ا...ولی رساله نصیحت ج ۱
به سعی دکتر جواد نور بخش ص ۲۸۶) .

تکثر گرایی با تعریف خاص از تشیع و تسنن

نعمت... ولی تشیع را اعتقاد به دوستی آل عبا!! می داند و آن را مخالف احترام به صحابه نمی پندارد از طرف دیگر از واژه سنی تعریفی دیگر ارائه داده و آن را تعریف شیعه حقیقی می داند چرا که از سنت پیغمبر متابعت می کند و هواهای نفسانی و آرای باطله و تمایلات و تخیلات خود را بجای رفتار و کردار و گفتار حضرت رسول صلی... علیه واله وسلم سرمشق قرار نمی دهد نعمت... حضرت امام علی علیه السلام را سنی خطاب می کند و حضرت امام علی علیه السلام را با لقب محی السنه و الجماعه یعنی احیا کننده سنت و جماعت نام می برد چنانچه در انتهای رساله خرقه می گوید: (... و او از امام الا ثمه محیی السنه و الجماعه سلطان الاولیا و برهان ال صفیا مظهر العجایب امیر المومنین علی بن ابیطالب علیه الصلوه و السلام و او از حضرت نقطه دایره ظهور احدیت و مرکز اظهار محیط و احدیت اول به معنی و آخر به صورت صدر صفه اصطفی محمد مصطفی صلی... علیه و آله وسلم... والحمد لله والمنة و صلی... علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین و سلم...)^{۱۳۲} باید توجه داشت که اهل سنت خود را جماعت می داند و شیعه را اقلیت و رافضی به معنای مذموم آن می داند.

تکثر گرایی با تفکیک بین علم استنباطی و لدنی

پرسند زمن چه کیش داری
ای بی خبران چه کیش دارم
از شافعی و ابو حنیفه
آینه خویش پیش دارم
ایشان همه بر طریق جدند
من مذهب جد خویش دارم
در علم نبوت و ولایت
از جمله کمال پیش دارم^{۱۳۳}

از ابیات فوق در می یابیم که نعمت... ولی علم را حصول علم لدنی به طریق خفی و الهامی در دل می داند و آنچه را که حاصل از استدلال و استنباط عقلی باشد، گفتار جدلی دانسته که بر خلاف روش رسول... (صلی... علیه و آله) است. در دفاع از بدست آوردن علوم به روش الهامی می گوید :

^{۱۳۲} . (همان رساله نسبت خرقه ج ۱ صص ۵-۱۷۴).
^{۱۳۳} . (همان قطعات ص ۶۴۹).

(آداب وضعیه آن است که اسماء اشیاء که وضع کرده او (یعنی رسول خدا صلی... علیه و آله) است و بر آن حکم حل و حرمت فرموده تغییر نکند یا اسم حلال را حرام گویند و حرام را حلال. قال رسول... صلی... علیه و آله: زمان یظهر فیه اقوام تسمی الخمر بغير اسمها و ذالک لیستحلوها بالاسم - ترجمه بر مردم روزگاری می آید که جماعتی ظاهر می شوند که شراب را به غیر نامش می خوانند تا آن را حلال شمارند - همچنان که خمر را نبیذ نام کردند و ریا را تزویر و به اسم؛ حلال گفتند) ^{۱۳۴}

و یا در جای دیگر می گوید:

سنت سنیه الهیه آن است که هر صورتی از صور محسوسه که در وجود آید آن را روحی کرامت فرماید و اگر آن صورت زایل شود روح آن صورت مراجعت نماید به برزخ اصلیه فمینه بدا و الیه یعود) ^{۱۳۵}

عشق جانان اگر به جان داری

حاصل عمر جاودان داری

مهر پاک است و مهر آل عبا

خوش نشانی است گر نشان داری

آفتابی است نور او پیدا

نتوانی که آن نهان داری

عقل بگذار عاشقانه بیا

میل اگر سوی عاشقان داری ^{۱۳۶}

سر در راه عشق در سر است

بگذر از سر که کار معتبر است

سرموی حجاب اگر باقی است

بتراشش چه جای ریش و سر است

سر بنه زیر پای و دستش گیر

گر تو را میل تاج یا کمر است ^{۱۳۷}

منطق در اندیشه ای بکنار برود جای آن را هیاهوی به اسم هو هو و بردگی به اسم آیین سرسپاری می گیرد اینجاست که تکثر گرایی در اندیشه نمایان می شود و سنی که قایل به تصویب است و صوفی که خود را واصل به خدا رسیده می پندارد همه را خدا می بیند و پرستش خدایی غیر از وجود خودش را شرک می داند و گاهی به اوج خود خواهی رسیده و فقط خود را خدای می بیند و در جمع این نفی و اثبات به تکثر گرایی معتقد شده و عبارات ما گوناگون و حسن تو واحد است می سرآید و تکثرگرا می شود وقتی ملاک عقلی برای مطابقت الهام با واقع نباشد هم خود خواهی خدا خواهی جلوه می

^{۱۳۴} . (رسایل سید نور الدین شاه نعمت... ولی ج ۴ رساله مجموع الطایف ، ص ۲۱۸) .

^{۱۳۵} . (رسایل سید نور الدین شاه نعمت... ولی ج ۳ رساله اسرار حروف ص

ص ۳۵۶) .

^{۱۳۶} . (دیوان نعمت... ولی غزل ۱۴۸۴ صص ۸-۵۶۷) .

^{۱۳۷} . (همان غزل ۳۳۰ ص ۱۵۵) .

کند و در اینجا بین دریافت قدری حسن بصری (که از مشایخ اوست) و او اختلاف پیش می آید، حال حق با کدام است علم لدنی یا الهام قلبی؟! و در نتیجه این تفکیک علم لدنی و استدلالی به اندیشه ای تکثر گرایانه ختم می شود. و حقیقت در الهام ها بی ملاک می ماند.

نعمت ا... ولی با مصرع "از جمله کمال بیش دارم" مذهب جامع خود را طرح و تلاش می کند با رویکردی پلورالیستی بین مذاهب اهل تسنن و تشیع جمع کند هر چند در نهایت به استبداد فکری روی آورده و مذهب جامع خود را ناسخ مذاهب اهل سنت و تشیع می داند لذا می گوید:
علم تو باشد همه از قیل و قال
و آن من ، میراث من از جد من^{۱۳۸}.

تکثر گرایی با جمع بین اضداد و اجتماع نقیضین

جمع بین اضداد و اجتماع نقیضین امکان ندارد، زیرا انسان صاحب اندیشه اگر قائل به نفس الامر و واقع و حقیقت برای اشیا و عدم نسبیت حق بما هو حق نباشد که هیچ، ولی اگر قائل به یگانگی حقیقت است با چنین جمعی در واقع مخالف است، جمع بین اضداد و اجتماع نقیضین را در واقع محال می داند، مگر اینکه وحدت های ثمانیه لحاظ نشده باشد^{۱۳۹}

اما نعمت ا... ولی با جمع بین آنچه که گفته شد مرتکب چنین خطایی شده است، اول از الفاظ مشترک استفاده می کند و بین معصوم و غیر معصوم جمع می کند و آنها را یکی می داند، بعد با جمع بین صحابه و چهار رکن نبوت دانستن مولی علی علیه السلام و غاصبین حق آن حضرت بین حق و باطل، محق و غاصب جمع می کند، با ادعای شیعه بودن و رافضی نبودن در حالی که شیعه و رافضی طبق بیان معصوم یکی است بین شیعه بودن و نبودن جمع می کند.

گفتار نعمت ا... ولی پر از گزینه های متشکل از جمع بین متناقضین و اضداد می باشد تکثر گرایی در اعتقادات نعمت ا... ولی باعث جمع بین اضداد شده چگونه حق و باطل با هم جمع شدنی است؟ کسی که صحابه را به خاطر یار پیغمبر بودن دوست می دارد بلکه به آنها معتقد و سنی است، مخالفین ابابکر را رافضی و آنها را شیعه نمی داند و... در جنگ بین امام علی علیه السلام و معاویه درصفین یا امام علی علیه السلام و عایشه در جمل، نمی تواند حق یعنی علی ابن ابیطالب علیه السلام را انتخاب کند و چاره جز تکثر گرایی ندارد، چون به حصر عقلی یا امام علی علیه السلام حق و معاویه باطل و دفاع از امام واجب و

^{۱۳۸} . (دیوان شاه نعمت ا... ولی اشعار دو بیتی ص ۶۷۱) .
^{۱۳۹} . المنطق مظفر ص ۱۶۷ .

کشتن کسانی که بر او شمشیر کشیده اند به امر امام علیه السلام حلال یا معاذ... امام علی علیه السلام باطل و معاویه حق یا هر دو حق و یا هر دو باطل و این دو فرض نیز ممکن است و نزد کسانی که حق را نسبی می دانند یا هر دو هم حق و هم باطل یا هر دو نه حق و نه باطل، این حصر عقلی است، طبق اعتقاد شیعه امیر المومنین علی علیه السلام حجه... و امام و جانشن بلا فصل بعد از رسول... صلی... علیه و آله و سلم می باشد امام علی علیه السلام حق و مخالف امام علی علیه السلام باطل است، کلام امام علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام صحیح و اطاعت از اولو الامر واجب و مخالفین آنها مخالفان حجج الهی بشمار می روند ولی اهل تسنن چون این طرف را امیر المومنین و آن طرف را خال المومنین میدانند. تکلیفشان مثل شیعه مشخص نیست یا باید در چنین جنگی یک طرف را برگزینند یا نفاق در پیش گرفته و معلوم نشود در جنگ علوی هستند یا اموی، یا از جهاد سر باز زنند؛ که تاکنون نویسنده این نوشتار نیز با این سوال از آنها جواب قانع کننده ای که تکلیف را در جنگ مشخص کند نیافته و هر چه از آنها پرسیده بیشتر بر بطلان عقیده و بلا تکلیفی آنها پی برده است. گزینه های دیگر را نیز غالب اهل تسنن قبول ندارند، آنها در این موارد به سکوت معتقدند و پیروان خود را از چنین فکری باز می دارند.

نعمت... ولی به جمه بین اضداد و متناقضین در این امور آنگونه که در فص قبل گذشت روی آورده و عملاً وارد حوزه تکثرگرایی در اصل مذهب و فهم از آن شده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری فصل چهارم
در گفتار نخست این فصل گفته شد تکثرگرایی مورد قبول
علمای شیعه در اندیشه نعمت... ولی راه ندارد و اودر
حقیقت جامع معارفی غیر شیعی است که از طریق علمای اهل
سنت، بدست آورده است

درگفتار دوم این فصل مصادیق تکثر گرایی در اندیشه
نعمت... ولی بررسی شد و به شهادت مستندات جا مانده از
او، می توان قاطعانه گفت نعمت... ولی یک اندیشمند
پلورالیسم به معنای نامقبول نزد علمای شیعه بوده است و
گفتار او پر از مصادیق یک اندیشه پلورالیستی می باشد .

نتیجه گیری کلی

در فصل های قبل بیان گردید که منظور از پلورالیسم نامقبول چیست و نعمت ا... ولی کیست و دارای چه عقایدی است .

در طی این نوشتار این نتیجه حاصل شد که نعمت ا... ولی یک صوفی سنی مذهب است که هم به علت عقیده صوفیانه خود و هم به علت سنی بودن، دارای ویژگی های یک شخصیت تکثر گرا بوده است. همچنین، علت این که برای بعضی مذهب نعمت ا... ولی کشف نشده، می توان به اندیشه پلورالیستی اشاره کرد که محققان را سر در گم کرده است. اندیشه ای که بین حق باطل جمع می کند، مذهب جامع می سازد، از زندگی او که بیشتر در بین مردم کرمان می زیسته نیز می توان این مطلب را فهمید که او عقیده خود را هرچند در کتاب های خود بیان کرده ولی از عموم مخفی می کرده است.

ضمنا در ضمیمه این نوشتار سند مشخص نمودن وقت برای ظهور و عدم تحقق آن چنانچه گذشت ارائه می گردد . امید است که مردم بصیر و محب اهل بیت علیهم السلام خصوصا شیعیان با خواندن این نوشتار و مطالب دیگری که در این زمینه موجود است خود را از عقاید انحرافی مصونیت بخشند و خانواده و در نتیجه جامعه اطراف خود را به ارزشها و عقاید ناب اهل بیت علیهم السلام ملتزم نمایند و آنان را به زیور تعلیم و تربیت اسلامی مزین کنند.

رمضان المبارک سال ۱۴۳۴

محمد صادق محسن زاده هدش

الا حتجاج شيخ طبرسى- ترجمه از جعفرى عتقادى
رواى انتشارات اسلاميه

اثبات الرجعة او الغيبة :

اثبات الهداة : : شيخ حر عاملى : مؤسسة الأعلمى نرم افزار
كلام اسلامى نور

اختلاف جامى با شاه ولي حميد فرزام ، نشریه دانشکده ادبیات
اصفهان ، ، 1342 ، ش2 ، ص

اعیان الشیعه آیت الله سید محسن امین دار التعارف نرم
افزار كلام اسلامى نور

الامالى سید مرتضى نرم افزار كلام اسلامى نور

اوائل المقالات شيخ مفید المؤتمر العالمى للشيخ المفید
نرم افزار كلام اسلامى نور

البته قابل ذکر است این فصلنامه متعلق به فرقه گنابادیه
و مطالب آن گویای تصوف گنابادى است نه عرفان ایران

بحار الانوار نرم افزار معجم موضوعى بحار الانوار نور

بصیرت پرچمداران، جمعى از نویسندگان فارسى مجموعه آثار
پزوهشکده تحقیقات اسلامى

پیران طریقت : ۱۱ تهران: یلدا قلم ، ۱۳۸۲. نوربخش، جواد،
- ۱۳۰۵

تازه های اندیشه، (پلورالیسم دین، حقیقت، کثرت)، هادی
صادقى، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامى، صص ۴۹ و
۲۱۱.

تحلیل و نقد پلورالیسم دینی، علی ربانى گلپایگانى،
مؤسسه ی فرهنگى دانش و اندیشه ی معاصر، صص ۳۶ و ۷۷۱.

تذکره صوفیانی معروفی از عبدالمجید شربیه : ۱۷۹

تشیع و تصوف، دکتر کامل مصطفى الشیبى، ص ۲۳۲.

تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازى. نرم افزارجامع
التفاسیر نور

تمامی کتبی که درباره فرقه های صوفیه نوشته شده به این موضوع اشاره کرده اند

التمحيص و النهي عن التوقيت؛ الصراط المستقيم: ج ۲ ص ۲۵۸ - ۲۵۷ ب ۱۱؛

ثواب الاعمال و عقاب الاعمال شيخ صدوق ناشر دارالشریف الرضی النشر ۱۴۰۶ ه.ق

جف: شيخ محمد صادق کتبی، ۱۳۵۶ ق. (نجف: مطبعة مرتضويه

حديقه الشيعة ص ۶۰۲ مقدس اردبيلي حديقه الشيعة [نسخه خطی] / احمد بن محمد مقدس اردبيلي مقدس اردبيلي ، احمد بم علي ، - ۹۹۳ ق. در سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران نسخه خطی موجود است....

حضرت آیت ا... علی ربانی گلپایگانی در کتاب فرق و مذاهب کلامی :

حلیة الابرار: سید هاشم بحرانی کتابخانه اینترنتی مدرسه فقاقت

خورشید تابنده : خورشید تابنده: شرح احوال و آثار عالم ربانی... سلطان حسین تابنده گنابادی رضا علیشاه (طاب ثراه) / تالیف و تدوین علی تابند [تهران]: حقیقت، ۱۳۷۷.

دستهای ناپیدا، خاطرات مستر همفر؛ نشر گلستان کوثر؛ ص 64 .

دین شناسی، محمد حسین زاده، مؤسسه ی پژوهشی امام خمینی رحمه الله.

دیوان کامل شاه نعمت ا... ولی با مقدمه محمد عباسی انتشارات کتابفروشی فخر رازی ص 567 آدرس نسخه خطی دیوان آن موجود است

دیوان نعمت ا... ولی با مقدمه سعید نفیسی انتشارات باران (قصاید ص ۲۷). آدرس نسخه خطی دیوان آن موجود است

رساله تحقیق اسلام جزو مجموعه خطی رسایل شاه نعمت ا... ولی شماره ۴۲۶۲ متعلق به کتابخانه ملک شماره ۹۴) (منقول از تحقیق در احوال و نقد آثار و افکار شاه نعمت ا... ولی صص ۷-۵۹۶).

رساله در تحقیق احوال و زندگانی مولانا جلال الدین بلخی بدیع الزمان فروزانفر، تهران، 1315، ص. 3-2

رساله سعادتیه : ۸۴ صفهانی، عبدالغفار، - ق ۱۳۱۳ هـ. ق. تهران :
حقیقت، ۱۳۷۲ رساله سعادتیه / نگارش عبدالغفار اصفهانی.
به انضمام بخشی از کتاب سلطان فلک سعادت / تالیف علی
نورعلیشاه ثانی

رساله فضائل صحابه نسخه خطی شماره-4662 سال 1109 هـ. ق. نقد احوال
و آثار نعمت ا... ص 594

رساله نصیحت نامه سید خلیل ا... (ولده) ص ۳۸۹).

رسایل حضرت سید نور الدین شاه نعمت ا... ولی رساله
نصیحت ج ۱ به سعی دکتر جواد نور بخش ص ۲۸۶).

رسائل شاه نعمت ا... ولی رساله تفسیر لاله الا... جزو، تهران،
انتشارات خانقاه نعمت الهی، 1343، ج 4، ص 88.

رسائل نعمت ا... ولی به اهتمام عبد الحسین ذو الریاستین
مرداد ۱۳۱۱ مطبعه ارمغان ص ۹۰).

رهبران طریقت و عرفان، هـ. ق. : دانشگاه تهران (چاپخانه):
۱۳۸۹ ق. = ۱۳۴۸. د سلطانی گنابادی، محمدباقر، ۱۲۷۶؟ -
۱۳۵۵.

ریاض السیاحه صورت شجره ریاض السیاحه [نسخه
خطی] زین العابدین بن اسکندر الشیروانی النعه الهی ملقب
به مست علی شاه شیروانی، زین العابدین بن اسکندر، سازمان
اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران ۱۱۹۴ - ق ۱۲۵۳

سبع المثانی : ۳۵۳ رساله سبع من المثانی و القرآن
العظیم فی مدیح النبی الکریم [چاپ سنگی] / میرزا هادی بن
علی بجستانی خراسانی حائری؛ کاتب محمد علی التبریزی
الغروی

السُّبُکی، طبقات الشافعیه، مصر، 1324 هـ. ق.، ج 6، ص 103
طبقات الشافعیه الكبرى / لتاج الدین ابی نصر عبدالوهاب بن
علی بن عبدالکافی السبکی؛ تحقیق محمود محمد الطناحی،
عبدالفتاح محمد الحلو. سبکی، عبدالوهاب بن علی، ۷۲۷ -
۷۷۱ ق.

شریعت در آینه ی معرفت، عبدا... جواد ی آملی، مرکز نشر
فرهنگی رجاء، چ ۱، ۲۷۳۱ ش.

شیخ مرتض انصاری ص ۱۲۳ مجمع الفكر الاسلامی)
صالحیه ۳۴۷ ، خورشید تابنده : ۴۱ - ۴۲ - ۴۳ ، نابغه علم
و عرفان ۵۹

صراطهای مستقیم ، سروش، عبدالکریم ، ۱۳۲۴ تهران : موسسه
فرهنگی صراط، ۱۳۸۷

طرائق الحقائق، ج ۲، ص ۴۵۸. ذکره طرائق الحقایق [چاپ
سنگی] معصومعلی شاه نعمه الهی شیرازی کاتب عبدالجواد
النیشابور معصوم علیشاه، محمد معصوم بن زین العابدین،
۱۲۷۰ - ق ۱۳۴۴

عدل الهی، مرتضی مطهری رحمه الله، نشر صدرا، چ ۴، ۸۶۳۱ ش.
عرفان ایران : ۵۶/۸

علامه از تفسیر روح المعانی نقل کرده است نرم افزار جامع
التفاسیر نور

تفسیر المیزان علامه طباطبایی نرم افزار جامع التفاسیر
نور

غیبه النعمانی. محمد بن ابراهیم نعمانی قرن چهارم نشر
صدوق نرم افزار کلام اسلامی نور

الغیبه طوسی، ۴۶۰ ق مؤسسة المعارف الإسلامية نرم افزار
کلام اسلامی نور

نقد آثار و افکار شاه نعمت... ولی، فرزاد، حمید، تحقیق در
احوال و تهران، سروش، چاپ اول، 1374، ص 17.

فرق الشیعه نوبختی حسن بن موسی نوبختی دار الأضواء نرم
افزار کلام اسلامی نور

الفرق بین الفرق عبد القاهر بغدادی دار الجیل - دار
الآفاق نرم افزار کلام اسلامی نور

فرق ومذاهب کلامی آیت الله ربانی گلپایگانی

فصلنامه عرفان ایران، ش ۳، ص ۱۰۸

قرآن کریم

قصه عشق پیران از علی فرخی

الكافي: نرم افزار جامع فقه اهل البيت نور

كمال الدين و تمام النعمة، ج ۲ ص ۴۸۳ كمال الدين و تمام النعمة يا "كمال الدين و تمام النعمة" [نسخه خطی] محمد بن علي بن حسين ابن بابويه (م. ۳۸۱) بن بابويه، محمد بن علي بن حسين (م. ۳۸۱)

لوازم فلسفی - كلامی پلوراليسم دينی، علی اکبر رشاد،
مجله ی کتاب نقد، ش ۴، ص ۸۹.

مباحث پلوراليسم دينی، جان هيک، ص ۹۶. مترجم : گواهی -
عبدالرحيم
محل نشر : تهران

مجله ی معرفت، مؤسسه ی امام خميني رحمه الله، ش ۲۳.

مجمع الفكر الاسلامی (شيخ مرتضى انصاری ص ۱۲۳)

مجموعه مقالات درباره شاه نعمت... ولي، ص ۴۹.

مرآت الحق : ۱۲۰ مرآت الحق [نسخه خطی] حاجی محمدجعفر بن
حاج صفرخان همدانی قرگوزلو ف ۲۲۸۰ سازمان اسناد و
کتابخانه جمهوری اسلامی ایران

مراحل السالكين : ۱۶۷ مراحل السالكين [نسخه خطی] مجدوبعلی
شاه مجدوبعلی شاه، محمدجعفر بن صفر، ۱۱۷۵ - ق ۱۲۳۸
سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران

مسافرتهاى شاه ولی... تالیف دکتر حمید فرزام اصفهان
شهریور ۱۳۴۷ صص ۵۹ و ۶۰ و حواشی آن (منقول از تحقیق در
احوال و نقد آثار و افکار شاه نعمت... ولی دکتر حمید
فرزام انتشارات سروس ۱۳۷۴ صص ۵-۵۹۴).

مستدرک الوسایل نرم افزار جامع فقه اهل البيت نور

مفاتیح نوین زیارت عاشورا آیت... مکارم شیرازی.

مقالات الاسلامين ابو الحسن اشعری فرانس شتاینر نرم افزار
کلام اسلامی نور

مقدمه دیوان صفی : ۱۶

المقنعه شيخ مفید نرم افزار جامع فقه اهل البيت نور

الملل و النحل محمد بن عبد الكريم شهرستاني الشريف
الرضي نرم افزار كلام اسلامي نور
المنطق مظفر

نقد آثار و احوال نعمت ا... ص-595 فضائل صحابه ص ۸۷-۸۶

الهداية: : شيخ صدوق : شيخ صدوق نرم افزار كلام اسلامي
نور

واژه نامه ي فرهنگي سياسي، شهریار زرشناس، کتاب
صبح، ۱۳۸۳، چاپ اول، صص ۸۷ - ۹۰ .
واقعه صفين نصر بن مزاحم ص ۲۹) .

ولايت نامه : ۲۳۵ ولايت نامه [چاپ سنگي] /سلطانمحمد بن حيدر
محمد بن سلطانمحمد نعمة اللهی : کاتب مقدمه : اسمعيل
الذفول مولداً طهران مسکناً : کاتب: داود گلپايگانی . -
سلطانعليشاه، سلطانمحمد بن حيدر، ۱۲۵۱ - ۱۳۲۷ .

<http://www.alameli.net/books/?id=2173>

<http://forum.qawem.org/showthread.php?72018-quot-%D1%CC%E1-%E3%E4-%C3%E5%E1-%DE%E3-%ED%CF%DA%E6-%C7%E1%E4%C7%D3-%C5%E1%EC-%C7%E1%CD%DE%F6%F8%A1>

تائيد آيت ا... العظمى خوئی :
ابو الحسين فراس الشيخ زيني

<http://www.alsada.org/plus/viewtopic.php?f=6&t=35777>

نسخه خطی دیوان نعمت الله ولی

<http://dl.nlai.ir/UI/B9C071EF-9FA9-4FF4-9B70-25F5830806F6/Catalogue.aspx>